

حرکت
گسترش
کلیسا



حرکت گسترش کلیسا

نوشته: دیوید گری سون

برگردان: م ثانوی

مقدمه مترجم

خواهر و برادر گرامی

خوشحالم که تصمیم گرفته اید این کتابچه را مطالعه کنید و امیدوارم بعد از اتمام آن نکات مناسب حال کلیسا و شهرتان را برای بنای کلیسای خداوند بکار گیرید. لازم دانستم قبل از مطالعه این کتابچه مطلبی را خدمتان عنوان کنم.

فرمان عیسی قبل از صعودش به آسمان این بود که رفته و مردم را شاگردان او سازیم و نه فقط این که آنها را تعلیم دهیم تا دستورات مسیح را حفظ کرده و در زندگی خود بکار گیرند. متی ۲۸: ۱۹-۲۰
این سخنان ارزشمند عیسی مسیح اصل شاگرد سازی را به ما ایمانداران تعلیم می هد.

اگر این اصل را هنگام بنای کلیسا در خدمتمان حفظ کنیم، بطور حتم کلیسای که برپا شود در چهار چوب کلام و روی صخره که خداوندمان عیسا است، بنا می شود.

سهل انگاری در اصل شاگرد سازی موجب می شود که ما فقط انسانها را دور هم جمع کنیم و نام «کلیسا» را روی آنها بگذاریم بکار نبستن این رکن اساسی در بنای کلیسا باعث تأسیس انجمن انسانهای همفکر و همنظر می شود تا کلیسای راستین خداوند.

در خاتمه دعایم برای تو برادر و خواهر گرامی، پاکی روز افزون در زندگی روزانه و هدایت‌های روح القدس در امر گسترش کلام راستی در خدمتهای بشارتی شماسست. فیض خداوندمان عیسی مسیح با جمیع ما باد.

بخاطر محبت مسیح

م. ثانوی

فهرست

مقدمه.....	۵
فصل اول	
حرکت گسترش کلیسا یعنی چه؟.....	۹
فصل دوم	
نگاهی نزدیک به حرکت گسترش کلیسا.....	۱۲
فصل سوم	
ده عنصر جهانی.....	۳۴
فصل چهارم	
ده عامل مشترک.....	۳۹
فصل پنجم	
ده تجربه مفید.....	۴۲
فصل ششم	
سؤال و جواب.....	۴۸
فصل هفتم	
موانع حرکت‌های گسترش کلیسا.....	۵۱
فصل هشتم	
چند فوت و فن برای تنظیم کار.....	۵۶
فصل نهم	
حرکت گسترش کلیسا برای جهان.....	۵۹
واژه نامه.....	۶۱

مقدمه

از گوشه و کنار دنیا خبرهایی بدستمان می‌رسید. در ابتدا تعداد این خبرها کم، اما بتدریج به تعداد آنها افزوده می‌شد. هر یک از خبرها ارقام تکان دهنده‌ای را بیان می‌کردند که حاکی از ایمان آوردن صدها، هزارها و حتی گاهی بیش از دهها هزار نفر به عیس مسیح بود. این افراد بعد از ایمان آوردن گرد هم جمع شده و شکل کلیسا را بخود می‌گیرند و سپس ایمان جدید خود را به شهرهای اطراف گسترش می‌دهند.

جنوب غربی آسیا

در سال ۱۹۹۳ وقتی مسئول بشارت آن ناحیه کار خود را آغاز کرد، تعداد کلیسا های منطقه فقط ۳ واحد و تعداد فقط ۸۵ ایماندار بین جمعیت ۷ میلیون نفری وجود داشت. چهار سال بعد تعداد کلیسا ها به بیش از ۵۵۰ واحد و ایمانداران به ۵۵۰۰۰ نفر رسید.

شمال آفریقا

یکی از روحانیون مسلمان در خطبه‌ها روز جمعه خود از مسیحی شدن ۱۰۰۰۰ نفر مسلمان که در کوه‌های اطراف آن ناحیه زندگی می‌کردند، لب‌به‌شکایت گشود.

شهری در چین

ظرف ۴ سال (۱۹۹۳-۱۹۹۴)، بیش از ۲۰،۰۰۰ نفر به مسیح ایمان آوردند که نتیجه آن تشکیل بیش از ۵۰۰ کلیسای جدید بود.

آمریکای لاتین

دو اتحادیه کلیساهای تعمیدی با توجه به مخالفت‌های دولت آن کشور، توانستند از ۲۳۵ کلیسا در سال ۱۹۹۰ به تعداد بیش از ۳۲۰۰ کلیسا در سال ۱۹۹۸ برسند.

آسیای مرکزی

مسئول گروه بشارت این ناحیه بیان کرد: «در اواخر ۱۹۹۶ با کلیساهای مختلف تماس گرفتیم تا شمار ایمان آوردن افراد در طول سال را تهیه کنیم. رقم بدست آمده ۱۵،۰۰۰ نفر بود که سال قبل از آن این رقم به ۲۰۰ می رسید.»

غرب اروپا

در گزارش خبری مبشری در اروپا آمده است که: «سال گذشته (۱۹۹۸)، من و همسرم در ایجاد ۱۵ کلیسای خانگی نقش داشتیم. برای مدت ۶ ماه از ناحیه محل خدمتتان دور شدیم. هنگام مراجعت در ماه جولای با چیزی غیر قابل باوری مواجه شدیم. ما از وجود ۳۰ کلیسای جدید دیگر مطلع شدیم، اما یقین دارم که رقم واقعی بیش از ۲ تا ۳ برابر است.»

اتیوپی

مسئول بشارت اتیوپی عنوان می کند: «۳۰ سال طول کشید تا توانستیم ۴ کلیسا در این کشور برپا کنیم. در ۹ ماه گذشته ۶۵ کلیسای خانگی برپا شد.»

در هر گوشه ای از جهان هستی نبض حرکت گسترش کلیسا بنوعی در طپش است. گاهی اوقات ما فقط ارقام این گسترش را می شنویم، اما اغلب اوقات خبرها همراه با داستانهای مفصل و زنده ای از توسعه کلیسا هستند. در یکی از این خبرها آمده است که: «تمام کلیساهای خانگیمان دارای شبان و رهبران محلی است که مسئولیت خدمت را به آنها دادیم. اشتیاق مردم بحدی است که در عرض مدت کوتاهی، خدا شخصی را از میان ایمانداران برای هدایت جمع برمی انگیزد. بنظر می رسد رهبران جدید هم از ایمان واقعی به مسیح و هم از روحیه خدمت کردن برخوردار

هستند. این افراد آنچنان با حرارت هستند که به راحتی نمی توان آنها را از این خدمت دور نگه داشت. آنها به اطراف کشور رفته و دیگران را تعلیم می دهند. بعد از گذشت مدتی ما از وجود این جلسات با خبر شدیم، این پر شورترین چیزی است که تا بحال دیده ایم. ما مسبب شروع اش نبودیم و نمی توانیم آنرا متوقف کنیم.»

ظرف ۴ سال (۱۹۹۳-۱۹۹۴)، بیش از
۲۰/۰۰۰ نفر به مسیح ایمان آوردند که نتیجه
آن تشکیل بیش از ۵۰۰ کلیسای جدید بود.

در ورای این شور و احساسات، تعداد از مبشرین خدمتشان را همراه با انبوهی از سؤالات نیمه کاره رها می کنند. بسیاری از این مبشرین هیچ حرکتی از گسترش کلیسا را بچشم خود ندیده اند. رؤیای تمام مبشرین این است که ببینند که تمام مردمی که بین آنها خدمت می کنند به عیسی مسیح ایمان آورند. در فکر هر مبشر تصویری از انبوه مردم منتظر وجود دارد تا پیام مسیح را شنیده و ایمان آورند. این اشتیاق قلبی هر مبشری در سراسر جهان است.

پس این حرکت گسترش کلیسا چیست؟ این پدیده ای که ما را اینچنین فریفته خود ساخته چگونه است؟ چرا این پدیده در این مقطع از زمان رخ می دهد؟ آیا این پدیده چیزی جدید است، یا اینکه از قبل همراه ما بوده است؟ علت‌های وقوع آن چیست؟ آیا چیزی تصادفیست، یا اینکه از ویژگی‌های خاص خود برخوردار است؟ آیا می توان باعث رونق آن شد؟

اینها سؤالاتی سخت هستند که تعداد بیشماری از مبشرین و مسئولین هماهنگی فعالیت‌های بشارتی از خود می پرسند که شاید طبیعت واقعی این گسترش کلیسا را درک کنند. سؤالات سخت همیشه جواب‌های مفیدی همراه دارد. در واقع این سؤالات و جوابها موضوع اصلی این کتابچه است.

ما از تعدادی مبشر، مسئولین هماهنگی فعالیت‌های بشارتی و اشخاصی که در گسترش کلیسا تجربه دارند، سؤالات زیادی کردیم تا بر اساس تجربه کاریشان، جوابها را بدست آوریم. سپس تمامی اطلاعات را برای بررسی، تجزیه و تحلیل گرد هم آوردیم تا بتوانیم این فراست را از بینشان استخراج کنیم.

از ابتدا قصد داشتیم تا عاملهای کلیدی ایجاد این پدیده و در عین حال موانعی جلو دار آنرا مجزا کنیم. هنگام گفتگو، از این عده، خواستیم تا مراحل عملی بنیان نهادن حرکت گسترش کلیسا، که باعث افزایش تعداد کلیساها می شود را تهیه کنند. نویسنده مرهون آن عده از مبشرین و همکاران است.

هدفهای این کتابچه به این قرار است: ۱) تعریف مفهوم حرکت گسترش کلیسا؛ ۲) تشخیص صفات جهانی؛ ۳) آزمودن موانع مشترک؛ ۴) تحلیل و بررسی بعضی از این حرکتها در زمینه ای وسیع؛ ۵) تهیه چند مرحله عملی ساده برای ایجاد حرکت گسترش کلیسا و ۶) جواب به تعدادی از سؤالات در همین زمینه.

تمام مثالهای ذکر شده در این کتاب وقایعی هستند که از سراسر دنیا جمع آوری شده است. بعضی از این نمونه ها از کشورهای هستند که برای اعلان انجیل مانعی وجود ندارد. اما بعضی از نمونه ها از کشورهای آمده که مسیحیان یا تحت فشار هستند و یا حتی مسیحیت ممنوع است. لذا برای حفظ امنیت این عده ما اسامی اشخاص و مکان را بصورت گمنام بیان می کنیم.

لازم به ذکر است که در این کتابچه ما سعی بر اثبات نظریه ای نداریم و حتی الگویی را ارائه نمی دهیم که در مراحل مختلف با اجبار پیاده اش سازیم. مطالب عنوان شده در این کتابچه بخشی از مجموعه ایست که ما شاهد آن بوده و از آن درس گرفته ایم. مبادی و اصول بدست آمده همه از اشخاصی حقیقی که خود در این گسترش شرکت داشته، استنباط شده است. برای اینکه بتوانیم تا حد امکان تصویر روشنی در ذهن شما ایجاد کنیم، شمارا از مورد های مکرر و غیر معمول، آگاه خواهیم کرد.

دعای می کنیم، درحالی که همه ما در تلاشیم تا از کاری که خدا مشغول به آن است اطلاع پیدا کنیم و در همان راستا جایگاه خود را یافته و خدا را در جهت گسترش کلیسا در بین تمام ملل دنیا، خدمت کنیم. امیدواریم این کتابچه وسیله ای مفید برای مأموریت شما مبشر و خادم گرامی باشد.

فصل ۱

حرکت گسترش کلیسا یعنی چه؟

در سال ۱۹۹۸ هیئت رهبران فعالیتهای بشارتی برون مرزی شعاری را برای خودشان انتخاب کردند: ما گمشدگانی که به عیسی مسیح ایمان می آورند را با آغاز حرکت گسترش کلیساهای فعال مجهز می کنیم. این شعار است که ۵/۰۰۰ مبشر در حال خدمت در بیش از ۱۵۰ کشور مختلف جهان را هدایت می کند.

با این تفسیر حرکت گسترش کلیسا چیست؟ این حرکت یعنی افزایش سریع و چند برابر شدن کلیساهای منطقه ای توسط ایمانداران محلی است.

در این تعریف چند کلید مهم وجود دارد. اولین آن رشد سریع است، همانند هر حرکتی، لازمه حرکت گسترش کلیسا، رشد سریع در بنیانگذاری کلیساهای جدید است. اشباع شدن کلیساها در طول سالها و قرنها امر مثبتی است، اما به معنی حرکت گسترش کلیسا نیست.

در ثانی، رشد تعداد کلیساها می بایستی روند تصاعدی داشته باشد. اضافه شدن چند کلیسا ظرف یکسال به معنی حرکت گسترش کلیسا نیست بلکه زمانی میسر می باشد که ۲ کلیسا به ۴ کلیسا و ۴ به ۸ و ۸ به ۱۰ و . . . تبدیل می شود. این افزایش بیشتر هنگامی میسر است که این کلیساها توسط جمع ایمانداران صورت گیرد تا توسط متخصصین امر و یا مبشرین باتجربه.

و بالاخره این کلیساها بومی هستند و از نیروهای درونی تشکیل می شود. این بدین معنی نیست که مژده نجات خود بخود بین اقوام ظاهر می شود. مژده نجات همیشه از خارج وارد قوم می شود. در واقع این همان تکلیف شاهدان مسیح است که مژده نجات را به هر قوم و طایفه برساند، اما در حرکت گسترش کلیسا، پیشرفت کلیسا بین هر قوم توسط ایمانداران همان قوم صورت می گیرد. در هر حال حجم

کمیت این حرکت بستگی به پیشقدمی و عکس العمل مردم هر ناحیه دارد تا به محرکه های خارجی.

اگر این مفهوم کامل نیست، می توان عکس قضیه را عنوان کرد تا مطلب روشن شود. حرکت گسترش کلیسا ورای آن دسته از بشارتهای که نتیجه آن به خود کلیسا برگردد است. هر چند که این نوع بشارتها بخشی از حرکت محسوب می شود، اما هدف نهایی چیزی بیشتر از رشد يك کلیسا است. بانی کلیسا که هدفش برقراری یکی و دو کلیسا نیست نمی تواند این پدیده را بچشم ببیند، چرا که دگرگونی های گسترده ای لازم است تا هر کلیسا در تشکیل کلیساهای دیگر نقش داشته باشد و بتوان مزده انجیل را به تمام مردم يك مملکت رساند.

حرکت گسترش کلیسا یعنی افزایش سریع و چند برابر شدن کلیساهای منطقه ای توسط ایمانداران محلی.

مفهوم واقعی حرکت گسترش کلیسا بیش از احیاء شدن کلیسا است. هر چند که احیاء شدن هر کلیسا پسندیده و نیکوست، اما بمعنی حرکت گسترش کلیسا نیست. بشارتهای گروهی و برنامه های که هزاران نفر را پیرو مسیح می سازد عالیست، اما حرکت گسترش کلیسا نیست. خصوصیت چنین پدیده ای این است که کلیسا قادر است با نیروهای درونی کلیساهای دیگری را بنیانگذاری کند. مشابه حرکت گسترش کلیسا این است که وقتی بانیان کلیسای تلاش در تشکیل چندین کلیسا می کنند، البته این مثال خود بتهایی حرکت گسترش کلیسا نیست ولی یکی از روشهای عالی گسترش کلیسا در بین جمعیت يك ناحیه هم فرهنگ است. اما در این روش شتاب رشد کلیساها به بانیان بستگی دارد.

بالاخره حرکت گسترش کلیسا در خودش ختم نمی شود. تمام زحمات ما این است که در انتها خدا جلال یابد. هنگامی ما قادریم اینکار را انجام دهیم که هر فرد بنوبه خود در رابطه پاک و بی آرایش با خدا توسط عیسی مسیح، قرار گیرد. با انجام این کار می توانیم، با دیگر ایمانداران همفکر آمیخته شویم و کلیسا در فیض خدا رشد کند. هر وقت شخصی به عیسی مسیح ایمان می آورد، خدا جلال می یابد. هر

زمان کلیسای تأسیس می شود باید جشن گرفت. (مهم نیست مسببش چه کسی است.)

چرا حرکت گسترش کلیسا استثنایی است؟ بنظر می رسد این حرکت بالاترین ارقام گمشدگان نجات یافته را بخود اختصاص داده است. افرادی که توسط ایمان به مسیح و مشارکت در ایمان خدا را جلال می دهند.

بهرحال حرکت گسترش کلیسا به مفهوم بالا رفتن تعداد کلیساهای نیست، اگر چه این کار عالیست. این حرکت وقتی ایجاد می شود که مبشرین و مسئولین، این بینش را در وجود ایمانداران بکارند. در واقع با این عمل ایمانداران گمشدگان را صید کرده و باعث رشد کلیسا می شوند.

اجازه دهید یکبار دیگر بعضی از نکات کلیدی را بازبینی کنیم. مبشرین و بانیان کلیسا توانا هستند، اما تعدادشان محدود است و در نتیجه بازدهی کار محدود می شود. بازدهی ایمانداران کلیسا برای پایه گذاری کلیساهای جدید بیشتر است، چرا که تعداد ایمانداران از تعداد مبشرین و بانیان بیشتر است. در حرکت گسترش کلیسا نیروی بیشتری ذخیره شده است، چرا که در این حرکت هر کلیسا در برپایی کلیساهای دیگری نقش دارد و در انتها تعداد بشمارای کلیسا به چشم می خورد. برای درک بهتر این مطلب اجازه دهید تعدادی از موردهای زنده را مو شکافی کنیم.

فصل ۲

نگاهی نزدیک به حرکت گسترش کلیسا

در حال حاضر مبشرین در هر گوشه و کنار دنیا در حال فعالیت در حرکت گسترش کلیسا هستند و عده ای در مراحل ابتدای و عده ای دیگر در اواسط آن نقش خود را ایفا می کنند. هر يك از این حرکتها با دیگری فرق دارد اما، هر کدام تأثیر مخصوص خود را در زندگی مبشرین می گذارد.

با وجود این تفاوتها وجه اشتراکی بین آنها نمایان است. در مثالهای ذیل برایتان عنوان می کنیم که چگونه مبشرین وارد این جریانها شده اند. تعدادی از آنها از ابتدا حرکت مشغول به فعالیت بودند و عده ای دیگر در بین راه ملحق شدند. در هر نمونه درسهای مفیدی وجود دارد که شاید الهام بخش برای موقعیتهای مشابه باشد.

یکی از کشورهای آمریکای لاتین وضعیت کشور

مردم این کشور همانند دیگر کشورهای آمریکای لاتین مرکب از نژادهای اروپایی، اسپانیایی و افریقایی است. نظام استبدادی کشور برای چند دهه موجب فقر اقتصادی و محدودیت آزادی فردی گردیده است. هر چند مردم در فقر مادی بسر می برند اما با مقایسه با دیگر کشورهای آمریکای لاتین نسبتاً مردمی تحصیل کرده هستند و ۹۰ درصد جمعیت کشور باسواد هستند.

بیش از ۹۵ درصد از جمعیت کشور اسماً مسیحی کاتولیک هستند. مدت ۲۵ سال دولت آزادیهای مذهبی را تحت فشار قرار داد. در سال ۱۹۹۱ فشار اقتصادی و آزادی مذهبی رو به کاهش رفت. هنوز آزادی مذهب بطور کامل وجود ندارد، اما وضعیت کشور روبه سامان است.

کلیساهای تعمیدی فعالیت بشارتی خود را بیش از يك قرن در این کشور شروع کردند. مدت بیش از ۷۵ سال خدمت تعدادی کلیساها تأسیس شد و بسیاری از ایمانداران جهت خدمت رهبری کلیساها تربیت شدند. در این مدت هیئتی جهت اتحادیه کلیساها با بیش از ۲۰۰۰ نفر عضو ترتیب داده شد. بدنبال کودتای نظامی تمام خادمین خارجی دستگیر و راهی زندان شدند و بعد از مدتی از کشور اخراج گردیدند. در این ماجرا نیمی از اعضا و اکثر رهبران کلیساها کشور را ترک کردند. برای چندین دهه تهدیدات فراوانی نسبت به کلیساها صورت گرفت تا شاید کلیسا در آن کشور بطور کل محو شود. در سراسر کشور مومنین تحت جفا، زندان و شکنجه بودند. در همین دوران اسقامت بود که تعداد ایمانداران به مسیح افزایش پیدا کرد.

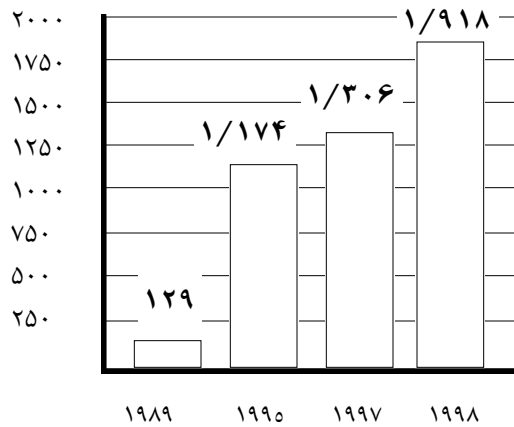
رویدادها

بعد از خروج خادمین خارجی از کشور، کلیسای تعمیدی کل کشور برای پیشرفت خدمت به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شدند. با وجود این تقسیم بندی در دهه ۱۹۹۰ در هر دو گروه حرکت‌های گسترش کلیسا آغاز شد. در سال ۱۹۸۹ اعضای کلیساهای شمالی بسختی به ۵,۸۰۰ نفر می رسید. ناگهان در همان سال کلیسا با بیداری روحانی مواجه شد و به رشد پنج و سه دهم درصد و سال بعد شش و نه دهم درصد رسید. تا پایان دهه ۱۹۹۰ اعضای کلیسا های شمال کشور از ۵/۸۰۰ نفر به ۱۴/۰۰۰ نفر رسید. در همین مدت تعداد کلیساها از ۱۰۰ کلیسا به ۱/۳۴۰ کلیسا رسید. در خبرهای اخیر اطلاع پیدا کردیم که این درصد رشد در حال کاهش است، اما هم اکنون بیش از ۲۸/۰۰۰ ایماندار در همین کلیساها منتظر گرفتن تعمید هستند.

در ناحیه جنوبی کشور همین واقعه در حال وقوع است. در سال ۱۹۸۹ فقط ۱۲۹ کلیسا با ۷/۰۰۰ ایماندار وجود داشت. در همان سال تعداد ۵۰۰ نو ایمان تعمید گرفتند. در سال ۱۹۹۸ تعداد ایمانداران حدود ۱۶۰۰۰ نفر رسید که سالانه بیش از ۲۰۰۰ نفر نو ایمان به جمع کلیسا افزوده شد. در این دوره ده ساله تعداد ۱۲۹ کلیسا به ۱۹۱۸ کلیسا رسید، یعنی در عرض مدت ده سال ۱۷۸۹ کلیسای جدید تأسیس شد.

عوامل کلیدی

حرکت گسترش کلیسای آمریکای لاتین شامل چندین عامل مهم بود. خادمین



خارجی توانستند در گسترش کلیسا نقشهای حیاتی را ایفا کنند. اولین نقش آنها معرفی انجیل عیسی مسیح برای اولین بار به مردم آنجا بود. بعد از بشارت دادن و ایمان آوردن آنها چند کلیسای استوار بر چهار چوب کلام خدا تأسیس شد. زمانی که

کلیساهای اتحادیه جنوبی

خادمین خارجی از کشور اخراج شدند، کلیسا بر سر دو راهی قرار گرفت: یا باید خود افراد بومی کلیسا را اداره می کردند و یا از بین می رفتند. بعد از گذشت چند سال ارتباط کلیسا با مسیحیان خارج از کشور قطع شد و کمک های مالی جهت بنای ساختمان کلیسا و شبانان به حداقل رسید.

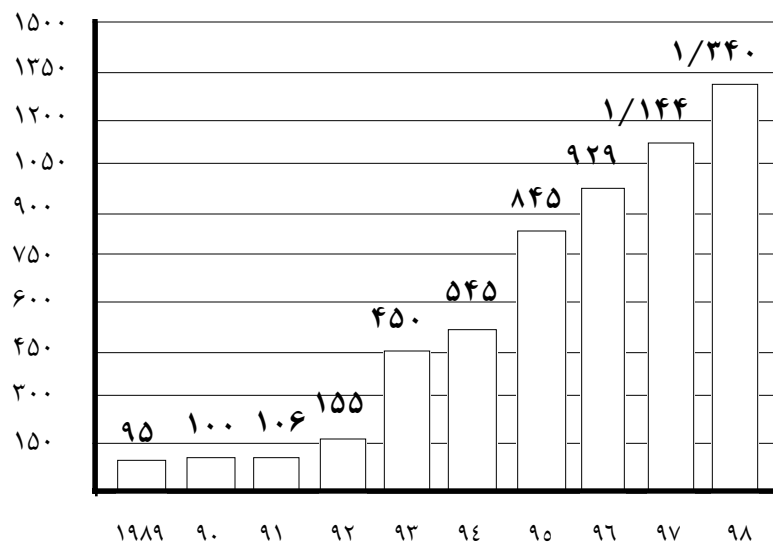
در طول سالهای انزوا رسانه های ارتباط جمعی با پخش برنامه های رادیویی خدمت خود را آغاز کردند. مسیحیان در گوشه و کنار دنیا با دعاهای مستمر شبانه روزی مؤمنین و گمشدگان داخل کشور را حمایت کردند.

وقتی همکاران ما در دهه ۱۹۸۰ با کلیساهای ارتباط برقرار کردند، ایمان عمیقی در قلوب ایمانداران تحت فشار مشاهده کردند. در این زمان خادمین مبشر خارجی حرکت مهم دوم خود را انجام دادند. این بار با برپایی جلسات دعا، شاگرد سازی، تعلیمات رهبری در خدمات بشارتی و شناساندن کلیساهای خانگی نقش خود را ایفا کردند. این تعلیمات همگی دور از تحمیل هر نوع روش غیر بومی بود.

عوامل و صفات دیگری در این حرکت گسترش کلیسا وجود داشت. از همان ابتدا کلام خدا و پرستش دست جمعی به زبان مادری افراد بود. به دلیل بالا بودن آمار باسوادان کتابمقدس تبدیل به مآخذ زندگی اجتماعی و روحانی افراد گردید.

یکی دیگر از کلیدهای اجرایی، دعا بود. در این حرکت ایمانداران خود را «زائو زندگان» معرفی کردند. دعا، زندگی روزانه و جلسات پرستشی را پُر ساخته بود. مردم جامعه همه عاشق آواز خواندن بودند و بزودی انعکاس ایمانشان در سرودهای روحانی که در جلسات پرستشی سرانیده می شد، مشاهده شد. این سرودها و تمجیدها همه به زبان محلی بود. یکی از رهبران کلیسا موسیقی و سرودهای روحانی را اینطور معرفی کرد: «سرود طریقی برای جنگ روحانی با جهان بی ایمان است.»

در سال ۱۹۹۲ بحران شدید اقتصادی رخ داد که باعث شد ایمانداران نتوانند از پس مخارج ایاب و ذهاب به کلیسا برآیند. دوباره کلیسا بر سر دو راهی قرار گرفت و چاره ای جز انتخاب یکی از این دو راه را نداشت: ایمانداران می بایستی یا از کلیسا کناره گیری می کردند، یا با ذهنی باز با مشکل مقابله می کردند. آنها راه دوم را انتخاب کردند. ایمانداران جلسات کلیسایی را در خانه هایشان برگزار کردند و بعد از مدتی با رشد شتابان تعداد ایمانداران در جلسات خانگی مواجه شدند. در این زمان بود که خادمین مبشر نقش مهم دیگری را بازی کردند. آنها روشهای جلسات خانگی را به ایمانداران معرفی کردند، روشی که امروزه در سراسر دنیا برگزار می شود. سال اول (۱۹۹۲-۹۳)، ایمانداران ناحیه شمالی کشور توانستند



کلیساهای اتحادیه شمالی

۲۳۷ کلیسای خانگی را افتتاح کنند.

پایین آمدن وضع اقتصاد و مبهم بودن آینده باعث ایجاد محیطی آماده برای خدمت شد. گفتگو با مردمی که تحت فشار اقتصادی قرار گرفته بودند هر روز آسانتر می شد و حتی گاهی اوقات ضروری بنظر می رسید؛ چرا که یأس و ناامیدی تار و پود جامعه را در خود فراگرفته بود.

در طول این آشفتگی رهبران کلیسا ها جماعت ایماندار را تشویق کردند تا تعدادی مبشر با غیرتی را جهت نجات هموطنان خود به خدمت فرا خوانده و تمام مایحتاج این مبشرین را فراهم آورند. اواسط دهه ۹۰ بود که مدرسه تربیت مبشر با دوره ای یکساله توسط کلیساهای ناحیه شمالی آغاز بکار کرد. در سال ۱۹۹۸ تعداد ۱۱۰ مبشر فارغ التحصیل شدند و ۴۰ نفر دیگر در حال درس خواندن بودند. ناحیه شمالی و جنوبی قادر بودند تا تعداد ۸۰۰ کلیسای خانگی را در سراسر کشور گسترش دهند. بعد از دو سال رهبران کلیساها خبر دادند که صدها نفر اعلام کرده اند که خدا آنها را به خدمت فراخوانده است. امروز حرکت گسترش کلیسا آنچنان پایدار است که اثر شدیدی بر تمامی آمریکای لاتین و تمام جهان خواهد گذاشت.

موردهای استثنایی

اگر چه این کشور مشمول الطاف خداوندی قرار گرفته است، اما موردهای ناخوش آیندی هم وجود دارد. مشخص شد که تعداد ۳۸/۰۰۰ نفر ایماندار که بطور مرتب در جلسات پرستشی ناحیه شمالی شرکت می کنند هنوز تعمید نگرفته اند و تعداد ۲/۸۰۰ نفر دیگر در کلاسهای تعمید شرکت می کنند. چرا تعمید عضوهای جدید دست به دست می شود؟

رهبر کلیسای در جواب گفت: «قبل از اینکه کشور ما به روی خادمین خارجی بسته شود، کمکهای مالی برای ساختن ۶ دستگاه ساختمان از خارج رسید. ۲۰ سال پیش یکی از کلیساها سر اختلاف عقیده الهیاتی از ما جدا شد و ما یکی از ساختمانهای خود را از دست دادیم. از آن زمان به بعد ما درس گرفتیم تا محتاط باشیم و هر کسی را عضو خود نسازیم که مبادا مابقی آنچه که داریم را از ما بگیرند.»

نکته های درسی

۱. همزمان با فشار دولت کلیسا به سمت کلیساهای خانگی نقل مکان کرد. این

- کار باعث شد تا تعداد حجاجیان به گنجایش ساختمان کلیسا محدود نشود بلکه انجیل توسط شاهدان به درون جامعه نفوذ پیدا کند.
۲. با کمک و تشویق مشایخ اتحادیه بود که کلیسا بسمت کلیسای خانگی رفت، هر چند این امر باعث تقلیل قدرت این آنها در کلیسا می شد.
۳. فشار دولت موجب جدا شدن ایمانداران ظاهری از کلیسا شد. در همان هنگام رهبران رده بالای کلیساهای دارای سلسله مراتب توسط دولت از بین می رفتند، اما فقدان این سلسله مراتب در کلیساهای تعمیدی بقای کلیسا را تضمین می کرد.
۴. خادمین خارجی در این زمینه نقشهای کلیدی داشتند. نقش آنها از این قرار بود: معرفی انجیل برای بار اول؛ تشویق بینش حرکت گسترش کلیسا؛ شناساندن کلیسای خانگی و حفاظت از وابسته بودن کلیساها به کمک های مالی ایمانداران خارج از کشور.
۵. تعلیم و تجهیز مدرسه الهیات یکی از عاملهای پراکنده شدن انجیل به سراسر کشور بود.

چین

وضعیت کشور

در اوایل دهه ۱۹۹۰ تحولات عظیم اجتماعی متغییری در این کشور از جمله پیشرفت سریع اقتصادی که موجب دو قطبی شدن این کشور از نظر اقتصادی گردید. رشد سریع صنعت شهر سازی و شهر نشینی، بافت دیرینه خانواده ها و پیوستگی جامعه را از هم گسیخت. مردم در سراسر کشور مشتاقانه منتظر پیدا کردن جانشینی بجای اصول اعتقادی مذهب مائوئیسم بودند. اعتقاداتی که افکارشان را مدت ۴۰ سال اشغال کرده بود.

نظریه های جدید از هر سو سرازیر می شد و برای خود هواخواهان و مخالفانی پیدا می کرد. جنبش دانشجویان طرفدار دمکراسی آغاز شد و بعد از مدتی به زد و خورد منتهی شد. نقطه اوج این جنبش با برخورد شدید نیروهای دولتی بود که در سال ۱۹۸۹ در میدان تیانانمن صورت گرفت. بعد از این برخورد جوانان امید بهسازی سیاست کشور را در از دست دادند، اما در عین حال آنها بدنبال امیدی جدید برای آینده ای بهتر بودند.

رویدادها

در همین اوضاع و احوال در سال ۱۹۹۱ شخصی مسئولیت خدمت بشارت ناحیه ای در چین را بعهده گرفت. اجازه دهید ما این منطقه را بدلیل امنیتی به اسم مستعار یانین به شما معرفی کنیم. این مبشر در طول مدت یک سال که زبان محلی و آداب و رسوم ناحیه را مطالعه می کردند، توانستد موقعیت اجتماعی و طبقاتی این مردم را تجزیه و تحلیل کند. نتیجه کار این بود که این ناحیه دارای ۷ میلیون نفر جمعیت که به پنج شاخه تقسیم می شوند و در مناطق شهری و روستایی زندگی می کنند. سپس مرکز تراکم هرگروه را مشخص کرد و بعد از آن چندین مبشر را جهت تحقیق روانه ساخت. آنها چندین بار با شکست مواجه شدند اما بعد از آن شکستها بود که مسئول امر طرحی برای برقراری کلیسا و گسترش آن پیاده کرد که تأثیر مهمی روی جامعه گذاشت.

ایشان در همان بررسیهای ابتدایی از وجود ۳ کلیسای خانگی که از ۸۵ عضو تشکیل می شد اطلاع پیدا کرد. این ایمانداران از قوم هن چین بودند. اعضای کلیساها اکثراً مسن که سالها عمر خود را بدون هیچ هدفی برای رشد و گسترش کلیسایشان سپری کرده بودند. در چهار سال اول به فیض خدا، مسئول کار کمک کرد تا انجیل در قلبهای این ایمانداران تازه گردد و بسرعت تمام ناحیه یانین را فراگرفت. این مبشر از فاصله فرهنگی بین خودش و یانین ها و همچنین مشکل زبان کاملاً اطلاع داشت. ایشان با آگاهی از این فاصله خادمهای چینی سراسر آسیا را بسیج کرد. با همکاری این خادمین چینی و گروههای کوچک ایمانداران توانستند در سال ۱۹۹۴ تعداد ۶ کلیسای جدید تأسیس کنند. سال بعد ۱۷ کلیسا و سال بعد از آن ۵۰ کلیسای دیگر شروع بکار کرد. تا سال ۱۹۹۷ یعنی ظرف سه سال تعداد ۱۹۵ کلیسا در سراسر ناحیه بنا شد. بدین ترتیب انجیل در تمام ناحیه در قلب هر پنج قوم یانین راه یافت.

در این مقطع از زمان، پیشرفت کلیسا آنچنان با سرعت بین مردم رشد می کرد که مسئول بشارت ناحیه می توانست بدون اینکه خللی در کار کلیسا ایجاد شود با خیالی آسوده از صحنه خارج شود. سال بعد در غیاب این شخص شمار کلیسا ها سه برابر شد و تعدادشان به ۵۵۰ کلیسا رسید و تعداد ایمانداران بیش از ۵۵/۰۰۰ نفر شد.

عاملهای کلیدی

از سال ۱۹۹۷ زمانی که مسئول کار ناحیه یانین کشور چین را ترک نمود توجه شایانی به عاملهای ایجاد این حرکت که چنین گسترش سریعی داشته، نموده است.



کلیسای یانی

بطور خلاصه برایتان تشریح کنیم.

همانند هر خدمت دیگر، بشارت یانین ها با پشتوانه قوی دعای همراه بود. این دعاها حتی قبل از شروع اعلان خبر خوش مسیح بین آنها آغاز شده بود. دعا آنچنان تأثیر شدیدی بر مؤمنین گذاشت که بعدها یکی از شاخصهای اصلی ایجاد کلیساهای جدید شد. در این حرکت، کلیساهای جدید تأسیس شده بتقلید از مبشرین، کلیسا را بر پایه دعاها مستمر بنا می کردند.

کلیدهای اصلی در آغاز این حرکت نحوه بشارت و تعلیم بود. علاوه بر اینها شتاب گسترش کلیسا با روش «دستچین» رونق پیدا کرد. در این کار از رسانه هایی چون کاست رادیو و ویدئو برای رساندن مژده انجیل استفاده شد. گروهی از ایمانداران افراد مشتاقی که با رادیو در تماس بودند را «دستچین» کرده و با آنها حضوراً ارتباط برقرار می نمودند. بدین ترتیب خدمت برنامه رادیویی پشتیبانی می شد. در این نوع بذر افشانی همیشه حقجویان مشتاق را از نزدیک ملاقات می کردند و

از آنها را برای شرکت در جلسات کتابمقدس که بعدها این جلسات به کلیسای جدیدی تبدیل می شد، دعوت بعمل می آمد.

اجازه دهید نگاه نزدیکی به نحوه کار مسئول خدمت این ناحیه داشته باشیم. روش کار ایشان چنین بود. جلسات کتابمقدس بصورت «تبادل نظر». در این نوع جلسات حجاجویان به مسیح ایمان آورده و این نوایمانان بعنوان کلیسای جدید بکار خود ادامه می دهند. «اطاعت» از کلام خدا که تنها رمز موفقیت شخصی و کلیساست. «هیئت رهبران» که از لحاظ مالی وابسته به کلیسا نیستند و مخارج زندگیشان را از طریق کسب و کار تأمین می کنند. «کلیساهای سلولی» که معمولاً بیش از ۱۵ نفر عضو ندارد و زمانی که تعداد ایمانداران بالا رود آنها خود را آماده آغاز کلیسای جدیدی دیگری می کنند. «کلیساهای خانگی» که ابتدایی ترین جلسات آشنایی با کلام و تشکیل کلیسای خانگی و یا سلولی. مشخصه های ذکر شده کمک می کند تا کلیسا محتاج به کمک مالی از سوی دیگران نباشد. مسئول بشارت از همان ابتدا سعی کرد تا بشارت دادن را هدف تمام مؤمنین یانین ها بسازد. او تمام تحقیقات یکساله خود را در اختیار مؤمنین آن ناحیه قرار داده و به آنها اطمینان داد که مسیح برای رساندن کلام به تمام اهالی ناحیه احتیاجاتشان را فراهم خواهد کرد.

این برادر برای برپایی کلیساهای جدید طریق ذیل را به مؤمنین خدمتگذار (تعلیم داد: الف) نمونه ب) همکاری ج) نظارت د) عزیمت. «نمونه» نمایش گذاشتن وظیفه کلیسا نسبت به نوایمانان و حق جویان که در آینده خود آنها هسته کلیسای دیگری را تشکیل می دهند. «همکاری» اشاره یاری به جماعت جدیدی است که شکل کلیسا را بخود می گیرد. «نظارت» یکی از قسمتهای مهم و حساس کار است که نیازمند به تلاش شدیدی دارد. چرا که در این زمان کلیسای جدید بدون همکاری مستقیم از طرف مبشر، روی پای خود می ایستند. «عزیمت» یکی از مراحل جدی کار است که مبشر می بایستی مطمئن باشد که با رفتنش هیچ لطمه ای به کلیسای نوپا وارد نمی شود و جماعت نو قادر است همین رویه را برای برپایی کلیسای دیگری دنبال کند.

در مدت کوتاهی مؤمنین یانین با پیاده کردن این روش پایه های کلیساهای جدید را در سراسر منطقه گذاشتند. هر يك آنها وظیفه کلیسا را عملاً برای حجاجویان و نوایمانان بنمایش گذاشته و بعد از اندکی در شکل گیری کلیسا یاریشان کردند و سپس فقط مسئولیت نظارت (بصورت مشاور نه رئیس) را بعهده گرفتند. بعد از اینکه

مطمئن شدند که کلیسای جدید قادر است وظیفه خود را بدون کمک برونی ادامه دهد، آنجا را به منظور برپایی کلیسای جدید دیگری ترك کردند. بدون شك هر از چندگاه این زنجیره تأسیس کلیساهای جدید گسسته می شد، اما بدلیل پراگندگی و گستردگی کار این گسستگی محسوس بود.

مردم دور افتاده یانین به هیچوجه دسترسی به مدرسه و یا دانشکده الهیات نداشتند. دولت تأسیس بنای هر نوع مدرسه الهیاتی را منع کرده بود. مسئول بشارت ناحیه برای رفع این مشکل به کتابمقدس رجوع کرد و روش ایمانداران اولیه را الگوی خود ساخت. وقتی او اولین رهبران کلیسا را تعلیم می داد، اصرار کرد که آنها نیز افراد دیگری را تعلیم دهند. بنابراین تعلیمات بصورت انفرادی و دوستانه بود. لازمه هر رهبر کلیسا این بود که هم شاگرد و هم مربی باشد و بدین ترتیب زنجیره ای از مربی و شاگرد بوجود آمد «و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده ام حفظ کنند» (متی ۲۸: ۲۰) هر درسی که شبان و یا رهبر کلیسایی می گرفت، روز بعد به شبان و یا رهبر کلیسای دیگر تعلیم می داد. این رویه باعث بوجود آمدن روش «تعلیم در حال خدمت» شد که برای پیشرفت کلیسا حیاتی و بموقع بود.

موردهای بی نظیر

اگر چه با گسترش انجیل بین یانین ها، جفا و مرگ هم گسترش می یافت، اما تلاش دولت در توقف گسترش کلیسا بی نتیجه بود. تنها علت آن فقدان وجود ساختمان کلیسا بود و دولت نمی توانست ایمانداران را ردیابی کند. ایمانداران جدید فوراً تعمید می گرفتند و به آنها اینطور تعلیم داده شد که صید جانها و هدایت آنها به کلیساهای جدید امری طبیعی برای نوایمان است. اعتماد به نوایمانان جدید بعنوان مبشر و عضو کلیسای جدید تقاضای پرخطری بود، اما در عین حال به ترقی کلیسا کمک شایانی کرد.

بی فرقه ای بودن این کلیساها باعث شد که هیچ رسوماتی را از فرقه ای دیگر وارد کلیساهای جدید نکنند. در نتیجه نوع فرقه این کلیساها در آینده در خود این حرکت پدیدار خواهد شد. بهرحال بنابه نوع ایجاد کلیساهای یانین قدرت در دست يك شخص نیست که بتواند طبق میل خود آنرا تنظیم کند. اصل اعتقادی هر کلیسای خانگی، اطاعت از کلام است. چون پرستش کلیسایی شامل تدریس کلام توسط تعدادی از رهبران است و جلسات بیشتر شبیه گفتگو است تا موعظه يك نفره، در

نتیجه هر تعبیر و برداشت اشتباهی توسط گروه اصلاح می شود. وقتی از مسئول کار سؤال شد که این کلیساهای بی فرقه شبیه چه نوع کلیساهای هستند، گفت: هرچند دولت هر نوع فرقه کلیسایی را منع کرده ولی می توانم بگویم که آنها همانند کلیساهای تعمیدی عمل می کنند. او حتی این مسئله را عنوان کرد که بعلت نوع خاص وفاداری ایمانداران به تعلیم کتابمقدس در مورد کهانت ایمانداران کلیسا در این منطقه به پیشرفت خود ادامه می هد.

نکته های درسی

۱. از همان ابتدا کار بشارت بین مردم گم گشته صورت گرفت و نه در ساختمان کلیسا.
۲. انتخاب تعدادی ایمانداربنام هیئت رهبران، گسترش کلیسا را تضمین کرد.
۳. نحوه برپایی کلیسا در یانین باعث شد تا صدمه ای به این کلیسا وارد نشود و کلیسا فقط به رشد و پیشرفت روز افزون خو بگیرد.
۴. بعلت خارجی بودن مسئول کار بشارت، قبل از اینکه کلیسا وسعت پیدا کند او محل خدمت خود را ترك کرد، در نتیجه هیچ انگیزه ای برای ترس از بیگانه بوجود نیامد.

مردم بوجراتی هند

وضعیت کشور

در منطقه پر جمعیت مرکزی هند، استان گروهی از مردم به زبان بوجراتی صحبت می کنند و به همین علت ما آنها را بوجراتی می خوانیم. تعداد جمعیت آنها حدود ۹۰ میلیون نفر است که در ۱۷۰ هزار روستا واقع در ۴ استان هند زندگی می کنند. در بین این مردم هر چهار طبقه هند^۱ وجود دارد. بوجراتیها نیز از همین طبقات

^۱ طبق اصول اعتقادی هندوها، مردم در چهار طبقه اند. هر شخص می تواند با هم طبقه خود امرار معاش می کند و ازدواج فقط با هم طبقه خودش میسر است. ارتباط بین هر طبقه با طبقه بالایی کاری بس دشوار است. در این میان گروه دیگری وجود دارند که در هیچ یک از این طبقات جایی ندارند که اصطلاحاً بی طبقه و یا طبقه نجس نامیده می شوند. کسی اجازه ندارد با آنها امرار معاش و حتی آنها را لمس کند. این افراد از فقیرترین انسانها فقیرتر هستند. به دلیل همین طبقه بندی است که مردم هند هنگام ملاقات به هم دست

تشکیل شده اند. اکثر قشر این مردم در فقر شدید و بی سوادى بسر مى برند و برای امرار معاش کشاورزی و داد و ستد مى کنند.

بدلیل وجود برهمن که نام طبقه بالای هندوها است و همینطور طبقه روحانی و مکانهای مقدس هندوها در این حوالی، این منطقه به مکانی مهم تبدیل شده است. بیش از ۸۵ درصد آنها هندو هستند و الباقی معتقد به همزاد گرایی و مسلمان هستند. در همین ناحیه چهار شهر بزرگ وجود دارد که هر کدام جمعیتی بیش از یک میلیون را در خود جایی داده اند.

در اوایل قرن نوزدهم آقای ویلیام کاری که مبشری نام آوری بود بهمراه دیگر همکارانش پیام مسیح را به آنان رساند. در همین ایام بود که کاتولیکهای «یسوعیون» نیز خدمت خود را در بین این طایفه آغاز کردند. در قرن نوزده و اوایل قرن بیستم، هزاران نفر از مردم به سمت ایمان کاتولیکها جاری شدند. از زمان استقلال هند که در سال ۱۹۴۷ صورت گرفت، کاتولیک در بین آنها رشد کرد و در حال حاضر یک هزارم درصد آنها کاتولیک هستند.

در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ جرقه کار توسط هیئتی از کلیسای تعمیدی سوئد زده شد. این خادمین توانستند تا اواسط قرن بیستم که هند را ترک کردند، تعداد ۲۸ کلیسا را تأسیس کنند. زمانی که سربازان انگلیسی در تلاش فرونشاندن شور ملی گرایان هندیها بودند، ارتش انگلیس ایمانداران کلیسا را وادار کرد تا سربازان را در منازل خود جایی دهند و بدین ترتیب کار بشارت سخت شد. در نیمه دوم قرن بیستم رشد کلیسا روبه کاهش رفت. این کلیساها تا پایان دهه ۱۹۸۰ یعنی ۲۵ سال نتوانستند به هیچ وجه رشد کنند.

رویدادها

در سال ۱۹۸۹ مبشری از آمریکا مسئولیت خدمت بشارت بین مردم بوجراتی ها را بعهد گرفت و روانه هند شد. بعد از فراگیری زبان محلی و آداب و رسوم بوجراتی که مدت یکسال طول کشید، با کلیساهای محلی ارتباط برقرار کرده و برایشان هدف از آمدن به هند را توضیح داد و سپس شروع به گسترش کلام خدا بین مردم کردند. اما بدلیل خوفی که او و همکارانش داشتند، آنها با صبر و حوصله کار نمی هند بلکه دست خود را جفت مقابل صورتشان قرار می هند و سپس سر تعظیم فرود می آورند. طبقات مردمی در هند چیزی شبیه ارباب و رعیتی ایران قدیم است. م

برپایی کلیسا را بین این قوم آغاز کردند. علت خوف از قتل بیرحمانه گروه مبشران در جنوب هند بود.

در سال ۱۹۹۲ اوضاع بهتر شد و مسئول بشارت طرحی را برای انجام برپایی کلیساهای جدید پیاده کرد. او این طرح را از دستورات عیسی در باب ۱۰ اقتباس گرفت. در این باب می بینیم که عیسی شاگردان خود را دو به دو به روستاهای جلیل اعزام و سفارش می کند که اشخاص «اهل صلح و صفا» (انجیل شریف) را پیدا کنند. مبشرین بوجراتی از همین روش برای رساندن پیغام مسیح و برپایی کلیساهای جدید در این ناحیه استفاده کردند. این افراد قبل از اینکه سخنی در مورد عیسی بزنند، «افراد اهل صلح و صفا»ی بوجراتی را تعلیم می دانند (حتی قبل از اینکه آنها ایمان بیاورند). آنها در این روش وقایع کتابمقدس را از ابتدا تا انتها تعریف می کردند. این افراد که بطور جداگانه تدریس می شدند، بعد از اندکی به ایمان خود اعتراف کرده و خانواده های خود را به ایمان به مسیح دعوت می کردند و سپس تعمید می گرفتند. به این ترتیب هسته مرکزی کلیسای جدید در هر روستا گذاشته شد.

در سال ۱۹۹۳ تعداد کلیساهای این ناحیه از ۲۸ کلیسا به ۳۶ کلیسا رسید. سپس در سال بعد ۴۶ کلیسای جدید دیگر به مجموع کلیساها اضافه شد. با برپایی قانونی برای تعلیم مبشر، ادامه انتشارگسترش کلام بین این مردم تضمین شد. در طول راه هر کلیسا به چندین کلیسا تبدیل شد بطوری که در سال ۱۹۹۶ تعداد کلیساها به ۵۴۷ و در سال ۱۹۹۷ به ۱/۲۰۰ کلیسا رسید. سال ۱۹۹۸ این تعداد به ۲/۰۰۰ کلیسا رسید. در عرض هفت سال بشارت و تعلیم، تعداد افرادی که به مسیح ایمان آوردند، به ۵۵/۰۰۰ نفر رسید.

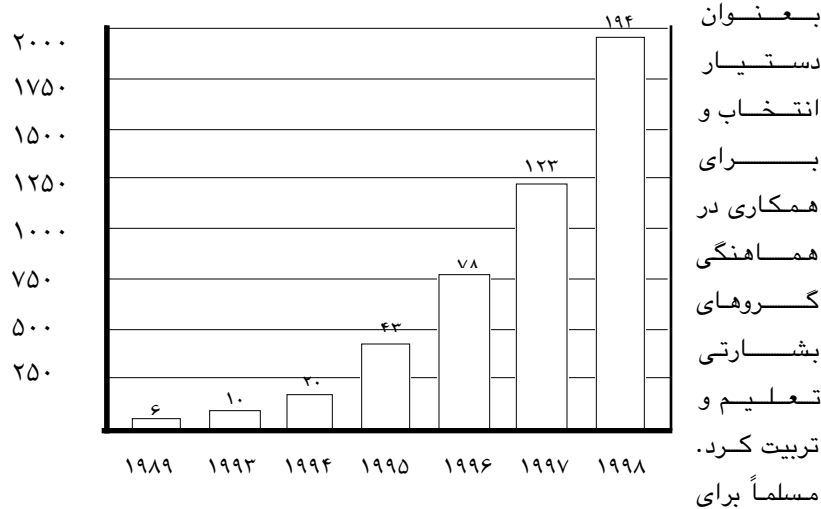
عوامل کلیدی

چند عامل کلیدی در گسترش کلیسا وجود داشت که اولین آن مربوط به آزمایش راههای مختلف برای تعیین بهترین و موثرترین راه بود. همزمان با شروع برپایی کلیساهای جدید، امدادهای خیریه توسط کلیسا های محلی به مردم محروم صورت گرفت. تمام اعضای گروه های خیریه همگی مبشرین و ایمانداران کلیسا بودند.

بعد از گذشت شش ماه تمام کارها توسط مسئول بشارت مورد بررسی و

ارزیابی قرار گرفت. در این هین کار او متوجه شد که کلیساهای موجود در اجرای هدفش بهترین موقعیت را دارند. سپس ایشان وقت و اطلاعات تخصصی خودش را در اختیار این کلیساها قرار داد.

قدم دوم اساسی وقتی صورت گرفت که ایشان یکی از ایمانداران بومی را



کلیسای بوجراتی

شهرها و روستاها ساده تر بود تا اینکه فرد آمریکایی بدون تسلط به زبان، این کار را انجام دهد. این دو نفر توانستند دوشا دوش کار مشترک نیرومندتری را آغاز کنند. مسئول آمریکایی توانست از هند خارج شود و در سطح گستره تری کار بشارت را حمایت کند. مسئول هندی در محل ماند و با تکمیل و هم آهنگ کردن دوره های تعلیمی و بشارتی نقش مهمی را ایفا کند.

مسئول هندی توانست به مناطقی مسافرت کند که از عهده مسیول قبلی به علت عدم شناخت مناطق بومی خارج بود. و این خود دلیلی بود که مسئول خارجی هند را ترک کند و نقش دیگری را در این حرکت گسترش کلیسا بین بوجراتی ها بازی کند. او قادر شد تا ایماندارانی را در سراسر جهان برای دعای پیوسته برای این مردم تشویق کند همینطور اقداماتی از قبیل فراهم کردن احتیاجات کار بشارت، تنظیم ترجمه انجیل به زبان بوجراتی و ضبط آن روی نوار صوتی، توسعه مواد درسی رهبران را انجام دهد و در عین حال از کلیساهای آسیا درخواست کمک مالی جهت

توسعه کلیسا در بین بوجراتی ها کرد.

برای اینکه این کلیساها به کمکهای مالی کلیساهای خارجی متکی نباشند، مسئول کار هر پروژه ای را در برنامه دو ساله قرار داد. بعد از گذشت دو سال کمک مالی جهت ارزیابی متوقف می شد. دوره های تعلیمی همه در اماکن اجاره ای با قرارداد دو ساله صورت می گرفت و بعد از دو سال نقل مکان می کردند.

مورد های بی نظیر

چیزی که در ابتدا به عنوان حرکت گسترش کلیسا بود در ظرف مدت هفت سال به چند شاخه تقسیم و همگی در یک جهت حرکت می کردند. بعثت گسترش شتابان کلیساهای جدید، کلیساهای محلی قادر نبودند پا به پای کلیساهای جدید حرکت کنند.

به این دلیل مسئول کار بجای متمرکز کردن کار خود روی فرقه و نام کلیسا کار دیگری را برای اتحاد و گسترش کلیسا انجام داد. نکته مشترکی که تمام کلیساها را به هم مرتبط می سازد «سرسپردگی به کلام خدا بعنوان قدرت بی چون و چرا» است

نکته منحصر بفرد دیگر این بود که مسئول کار به دریافت کمک های مالی از خارج از هند امید داشت که به این وسیله کار بشارت ادامه پیدا کند. هر چند که مصارف آن بسیار محدود بود. بجای صرف کمک های مالی برای مبشرین سیار و بانیان کلیسا، کمک های مالی صرف تأسیس کانون تعلیم و تربیت برای شبانان و بانیان جدید شد. این امر باعث پشتیبانی و گسترش کار در سراسر منطقه شد. بمجرد شکل گرفتن هر کلیسای جدید صندوق هدایا و اعانات تهیه می شد. این هدایا بعنوان حقوق به شبان کلیسا داده نمی شد، بلکه شبان کلیسا طوری تربیت می شد که خود شغلی داشته باشد و مخارج امرار معاش خود را کسب کند. کمکهای مالی حتی برای تأسیس بنای کلیسا داده نمی شد.

توکل به کمک های خارجی برای تأمین مالی مبشرین/ بانیان کلیسا سؤالاتی در مورد استطاعت ذاتی حرکت گسترش کلیسای هند بر انگیخت. پرهیز از پرداخت حقوق به شبانان یا ساختمان باعث پیشرفت طبیعی حرکت شد. اما هر سه ماه هدایایی به مبشرین محلی ارائه می شد. این واکنش از طرف مسئول هندی بود که گفت: «هر مبشری بنا به طبیعت کاریش برای امرار معاش نیازمند کمک های مالی از

طرف کلیساها دیگر است. اگر این امر برای مبشرین غربی صدق می کند بنابراین برای مبشرین هندی نیز صادق است». نکته تشویق کننده این بود که آنها در فکر ایجاد کلیساهای جدیدی بودند. در کنفرانس سالانه شبانان که تعداد ۱۰۰۰ شبان در آن شرکت داشتند، هر کدام از شبانان بین ۲ تا ۵ کلیسای جدید را افتتاح کرده بودند.

شروع کار با ایمان آوردن افراد «صلح و صفا» بود که خانواده خود را با مسیح و مسیحیت آشنا کرده و توسط همان خانواده انجیل مسیح در سراسر روستا منتشر می شد و به این ترتیب آنها به جمع خانواده الهی می پیوستند. ایمانداران انفرادی تعمیم نمی گرفتند بلکه همه اعضای خانواده با هم تعمیم می گرفتند. پدر اعضای خانواده خود را تک تک تعمیم می داد و به این ترتیب هر خانواده سنگ بنای کلیسای جدیدی را پایه ریزی می کرد

نکته های درسی

۱. گاهی شکست مقدمه ای برای موفقیت است بشرطه اینکه از شکستمان درس بگیریم و دلسرد نشویم. اولین تلاشهای گسترش کلیسا بین بوجراتی ها شش شهید برجا گذاشت.
۲. آزمایش قبل از کار، بررسی و ارزیابی دقیق می تواند کار را در مسیر اصلی نگاه دارد.
۳. دو سؤال مهم هنگام تعلیم زندگی روزانه بوجراتی ها را شکل داد. در هر زمان که آنها با مشکل ایمانی و غیره روبرو شوند با این دو سؤال راه حل مشکل را پیدا می کنند:
 - الف. در این موقعیت عیسی مسیح چگونه جلال می یابد؟
 - ب. کلام خدا در این مورد چه می گوید؟
۴. تهیه داستانهای کتابمقدس بصورت شفاهی و نوار صوتی باعث شد تا کلام خدا نیروی اصلی پیشرف کلیسا بین مردم حتی بین افراد بیسواد باشد.

مردم خمر کامبوج وضعیت کشور

بخش اعظم قرن بیستم برای مردم کامبوج چیزی جز جنگ، حکومت

دیکتاتوری، کشتار دسته جمعی نبوده است. در تاریخ کامبوج جدید فقط اندکی پیشرفت مشهود است. درگیری با ویتنامی ها که بیش از دو دهه طول کشید آنها را در دوران حکومت دیکتاتوری مائویست به رهبری پوپات وارد جنگ کرد و کشور کمبوج را به ویرانی کشید. در طول پنج سال حکومتش یعنی از سال ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۷۹ موجب کشتار، مفقود شدن و گرسنگی بیش از سه میلیون و سیصد هزار نفر از جمعیت ۸ میلیون نفری کمبوج شد.

این حاکم جلاد کمبوج را با شالوده ای از ویرانی، مرگ بسیاری از مردان و قشر جوان بی سواد رها ساخت. این کشتارهای دسته جمعی با برقرای حکومتی از طرف ویتنام خاتمه یافت، اما هیچ تأثیری در وضعیت مردم آسیب دیده نگذاشت. این تحول زمینه را برای تغییر دیگری آماده کرد. اعتقاد به بودا برای قرنهای مردم کامبوج را تحت تأثیر خود گذاشته بود. کلیسای کاتولیکی موفق شد تا خدمات خود را در کامبوج شروع کند، اما به دلیل ارتباط کلیسای کاتولیک با واتیکان و فرانسه موجب شد که کلیساهای هدفی برای حکومت شود. در اوایل قرن بیستم دو هیئت از کلیساهای پروتستان مسیحیت را به کامبوج معرفی کردند. تعداد ایمانداران پروتستان متجاوز از ۵/۰۰۰ نفر نمی شد. با روی کار آمدن پوپات ضربه شدیدی به کلیسا وارد شد. هیئتهای مبشر از کشور بیرون انداخته شدند و ایمانداران که برای حفظ جان خود پراکنده شده بودند به قتل رسیدند. در سال ۱۹۹۰ جمع ایمانداران به کمتر از ۶۰۰ نفر کاهش یافته بود.

رویدادها

بنا بگفته مبشر سالمندی که مدت ده سال در کمبوج خدمت می کرد، مسیر حرکت مسیحیت در دهه ۹۰ در این کشور دچار تحول عظیمی شد و سال ۱۹۹۹ تعداد ایمانداران پروتستان از ۶۰۰ نفر به ۶۰۰۰۰ نفر افزایش یافت. این ایمانداران نتیجه فعالیت چندین هیئت از مؤسسات مختلف کلیسایی در کامبوج بود.

اولین تغییرات در ماه نوامبر سال ۱۹۸۹ آغاز شد. در این هنگام یکی از مبشرین مسئولیت خدمت رساندن انجیل به کامبوج را بعهده گرفت. تا سال ۱۹۹۱ او توانست زبان محلی را کاملاً فرا گیرد و طرحی برای نحوه رساندن پیغام مسیح به مردم آنجا پیاده کند.

او بجای بشارت دادن و فعالیت مستقیم در اداره جلسات طرح دوستی عمیق

با تعدادی از ایماندار کامبوجی را ریخت و همچون معلم با ایشان در ارتباط بود. در عرض یک سال او شش کامبوجی مبشر را تحت تعالیم خود قرار داد. بعد از چند ماه کتابچه ای که نحوه برقراری کلیسا، اصول ایمانی مسیحی، فیلم عیسی، داستانهای از کتابمقدس و طرز اداره جلسات خانگی را به زبان خمر (زبان مردم کامبوج) تهیه و در اختیارشان قرار داد. همراه همه اینها او بپوش رسانی مژده مسیح به سراسر کشور را به آنها الهام بخشید.

در سال ۱۹۹۳ تعداد شش کلیسای کاشته شده به ۱۰ کلیسا رسید. سال بعد این تعداد دو برابر شد و در سال ۱۹۹۵ وقتی تعداد کلیساها به ۴۳ عدد رسید، رهبران کلیساها تصمیم گرفتند اتحادیه ای برای کلیساهایشان تشکیل دهند. سال بعد شمار کلیساها به ۷۸ و در سال ۱۹۹۷ به ۱۲۳ کلیسا رسید. تا سال ۱۹۹۹ تعداد کلیساها به ۲۰۰ کلیسا و تعداد ایمانداران به ۱۰/۰۰۰ نفر رسید. تعدادی از جلسات پرستشی در منازل وقف شده برگزار می شود اما اکثر جلسات پرستشی در منازل ایمانداران که هر کدام گنجایش ۵۰ نفر را داشتند تشکیل می شود.

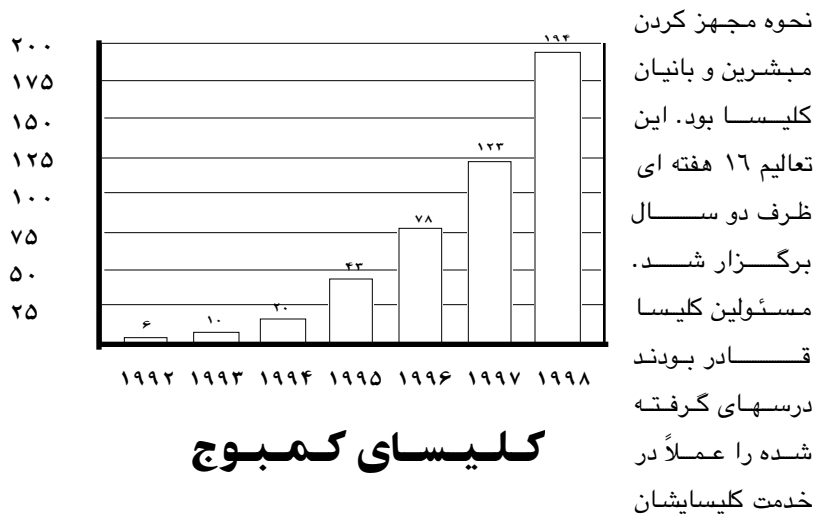
در سال ۱۹۹۶ مسئول بشارت کشور را ترک کرد، اما در آنجا جمع کوچکی از مبشرین و کلیساهای مرتبط که در اکثر مناطق کشور پراکنده شده بودند را پشت سر جا گذاشت و هنوز پیغام مسیح بین کامبوجیها گسترده و قوی می شود.

عواملهای کلیدی

وقتی علت وقوع این حرکت گسترش کلیساهای جدید را جویا شدیم، او گفت: «چندین عامل اصلی در این واقعه شش ساله دست داشتند. تعداد افراد بسیج شده که برای کامبوجیها دعا می کردند، بی سابقه بود». این افراد برای حفظ مؤمنین در حال خدمت بین کامبوجیها و برای هدایت مردم توسط انجیل عیسی مسیح دعا می کردند. «دعا کردن» زندگی اعضای جدید را شکل می داد و باعث رؤیت دست خدا در زندگیهایشان شد. وقایع صورت گرفته در آنجا باعث شگفتی همه شد، اتفاقاتی نظیر، شفا، بیرون کردن ارواح و بیداری روحانی.

عامل دیگر در رشد کلیسای کامبوج، تعلیم ایمانداران بود. کانونهایی بنام آموزش رهبران روستایی در هرجایی که امکان پذیر بود، بنا گردید. در این کانونها اصول کتابمقدس و نحوه تشکیل کلیسا به شرکت کنندگان مشتاق تدریس می شد. این کانونها معمولاً در مکانهایی برگزار می شد که برای کلیساهای آینده در نظر گرفته

شده بود. انتخاب این مکانها معمولاً از نظر موقعیت مکانی و ارتباط با کلیسای مجاور مورد بررسی قرار می گرفت. مدت زمان این دوره ها دو هفته بود که برای هشت مرتبه تکرار می شد و شامل درسهای از کتابمقدس، درسهای عملی در مورد رهبری کلیسا،



کلیسای کمبوج

پیاده ساخته و در عین حال کسب کار خود را ادامه دهد.

در عین حال مسئول بشارت سعی کرد الگویی برای نحوه ادامه کلیسا پیاده کند. الگوی کارتعلیم پولس رسول در کتاب دوم تیموتائوس باب دوم آیه ۲ بود، «تعالیمی را که در جمع از من شنیدی، به افراد قابل اعتماد بسیار تا ایشان نیز بتوانند آنها را به دیگران تعلیم دهند.» که اصطلاحاً این آیه را «قانون ۲۲۲» هیچ کاری را به تنهایی انجام نده» نام نهاد. به این ترتیب روش بشارت، اهداف کلیسا، ارزشها و اصول ایمان از ایمانداری به ایماندار دیگر منتقل می گشت.

از همان ابتدا ایمانداران در مورد بشارت خودجوش بودند. برقراری کلیسا در هر ناحیه هدف رهبران هر کلیسای بود و سپس آنرا با جمع مؤمنین در میان می گذاشتند. کلیساهای جدید اولیه توسط متخصصین دوره دیده ایجاد نشد بلکه توسط خود ایمانداران صورت گرفت، وقتی آنها در کلاسهای تعلیمی شرکت کرده و مورد تشویق قرار گرفتند، برای ایجاد کلیساهای جدید دست بکار شدند. با مقایسه این نوع کلیساها و کلیساهای دیگر که توسط متخصصین حقوق بگیر بنا شده اند، متوجه شدیم بااستثنای چند مورد رشد این کلیساها بمراتب بیشتر است.

برای اینکه کلیساهای جدید، صد در صد بومی و غیر متکی به کمکهای مالی

از کلیساهای خارج از کامبوج باشند، مبشر برنامه ای با مشخصه زمانی را پیاده کرد که در این مدت هر کلیسای جدید بتواند کلیسای دیگری را برپا کند. این امر باعث القا تولید کلیسای جدید در هر کلیسا شد.

کلیساهای جدید با رفتن مسئول بشارت در سال ۱۹۹۶ وارد دوره جدید شد. در حال حاضر خادمین غیر بومی دیگر نقش تشویق کننده را به عهده گرفته اند تا مدعیان کار. یکی از همین خادمین، همکار خود را اینطور نصیحت می کند که: «سعی کن صمیمانه خادم گمنام این قوم باشی و از وسوسه مشهور شدن بعنوان پرچمدار، دوری کنی».

موردهای بی نظیر

هر چند که آرزوی گسترش کلیسا چیز جدیدی نیست، اما کلیسای کامبوج آنرا هدف خود قرار داد و کار راحت تر صورت گرفت. هر کدام از ایمانداران دیگری را تشویق برساندن پیام انجیل به سراسر کشور می کرد تا در هر ناحیه از مملکت کلیسایی را بنا کند. در هنگام انتخاب اعضای اتحادیه کلیساها، اشتیاق برای تأسیس کلیسای جدید، یکی از صفات مورد توجه ایمانداران بود. خصوصیتی که برای انتخاب اعضای اتحادیه مورد توجه قرار داشت، فعالیت مستقیم شخص در برپایی کلیسای جدید و گذراندن دورس کانون رهبران بود.

در این کلیساها چیز جدیدی اتفاق افتاد که بی سابقه بود، موضوع رهبریت کلیسا مخلوطی از نظام سنت کمونیستی کشور و عهد جدید بود. رهبریت هر کلیسا را هفت نفر به عهده می گرفت (اعمال رسولان باب ۶ آیه را ملاحظه کنید.) و عنوانی که به آنها داده شد، عنوان رهبران نبود بلکه بعنوان «کانون مجلس» شناخته شد. وظیفه این کانون در قبال جماعتشان از قبیل، بشارت، آموزش خواندن و نوشتن، عبادت، شبانی، خدمت به مردان و زنان و جوانان بود.

با پیشرفت گسترش کلیساهای جدید، لازمه وجود کانون تربیت رهبران روستایی برای توسعه کلیسا هویدا شد. هر کجا که کانون تربیت رهبران روستایی وجود داشت، کلیساهای جدید در آن منطقه افزوده می شد. به همین دلیل مسئول بشارت تمام سعی و تلاش خود را در تهیه کتب تعلیمی گذاشت و در این راه از کلیساهای آسیایی کمک ها مالی جمع آوری کرد.

نکته های درسی

۱. به مجرد ورود مسئول بشارت تعداد ۳۰ هیئت بشارتی دیگر وارد کشور شد. هیچکدام از آنها موفقیت کار او را ندیدند، چرا که تمامی آنها فاقد بانی کلیسا بودند و خدمات خود را فقط در بشارت متمرکز می کردند.
۲. مسئول بشارت از همان ابتدا خدمات کلیسا را به دست ایمانداران محلی سپرد و اصرار داشت که هر کلیسا توسط ایمانداران کامبوجی دایر شود.
۳. اجرای قانون ۲۲۲ (دوم تیموتئوس ۲:۲) ثابت کرد که تعلیم و تربیت رهبران برای ایجاد این حرکت ارزشمند بود.
۴. اتحادیه کلیساهای تعمیدی کامبوج بدیدگاه گسترش کلیسا ارج نهاده و آنرا با آغوش باز پذیرفت. قابلیت برقراری و استمرار این دیدگاه از ویژگیهای انتخاب اعضاء اتحادیه بود.

ظهور حرکت های دیگر

با نگاهی به سراسر دنیا متوجه می شویم که حرکت گسترش کلیساها در گوشه و کنار دنیا در حال وقوع است. در بین قوم ماسای مقیم تانزانیا و کنیا نشانه های گسترش کلیسا وجود دارد که باعث قوت قلب ایمانداران می شود. نا مساعد بودن محیط زیستی باعث محدود شدن تعداد مبشرین در این ناحیه شده است. تأسیس ساختمان کلیسا و یا پرداخت هزینه شبان برای قومی که نیمی از آنها کوچ نشین هستند و از طریق داد و ستد امرار معاش می کنند، چندان ارزشمند نبود. در عوض مبشرین تلاش کردند تا قوم ماسای را مجذوب انجیل کنند و خدمت خود را روی تعلیم رهبران، مبشران و بانیان کلیسا متمرکز کردند.

نتیجه این عمل شتاب گسترش کلیسا بین قوم ماسای شد. اکنون جلسات پرستشی آنها پر روح است. ماسای ها جهت شفا از امراض و امورات زندگی از خداوند طالب کمک هستند (در گذشته آنها برای هر مشکلی به جادوگران و ارواح متوسل می شدند. م). نقل داستانهای کتابمقدس همراه نمایش تصاویر بطور طبیعی قوم را به سراییدن سرودهایی از ماجراهای کتابمقدس وا داشته است. گروه کُر داستانهای عهد عتیق و جدید را می سرایند و در هنگام سرود خواندن جست و خیز می کنند. (در بسیاری از قبایل افریقای رسم بر این است که هنگام جشن و سرور شخص با سرآئیدن آواز، در حالی که جفت پا به بالا بپرد شادی خود را ابراز کند. م)

که این کار دلیل بر ریشه دواندن کلام به اعماق وجود این ایمانداران است و شکی نیست که کلام خدا با فرهنگ این مردم آمیخته شده است.

هر چند ماه یکبار در گوشه کنار دنیا حرکت گسترش کلیسا آغاز می شود: ۳۰ هزار ایماندار جدید در کشورهای آسیای جنوبی؛ ۱۰۰ هزار نوایمان در غرب هندوستان که بطور متوسط تشکیل ۸۰۰ کلیسای جدید را می دهند؛ ایمان آوردن ۲۰ هزار نفر در یکی از استانها واقع در چین در عرض چهار سال؛ دو برابر شدن کلیسا در اروپای غربی در مدت شش ماه؛ تشکیل ۳۸۳ کلیسا تنها در یک استان برزیل.

مبشرین اخبار کارهای خود را با یکدیگر در میان می گذارند، اخباری که شامل معجزات خداوند روی زمین می باشد. و حقیقتاً خداوند قادر به هر کاریست. اجازه دهید نگاه نزدیکتری به الطاف خدا در گوشه و کنار دنیا بیندازیم و از آنها درسهای بگیریم.

فصل ۳

ده عنصر جهانی

بعد از بررسیهای دقیق از حرکت‌های گسترش کلیسا که در سراسر دنیا به وقوع پیوسته است، موفق به شناسایی ده عنصر مشترک شدیم. هر چند ممکن است بدون بعضی از آنها به همان نتیجه مطلوب برسیم، اما ضروریست هر مبشری که تمایل به مشاهده چنین حرکت‌های گستره‌ای را دارد، این عناصر را در نظر داشته باشد.

۱. دعا

دعا یکی از عنصرهای بنیانی در ایجاد هر کدام از این حرکتها بوده است. در برنامه رساندن پیغام انجیل به اقوام مختلف، خصوصیت ستون اصلی برنامه، دعا می باشد. وجود دعای قدرتمند در زندگی مبشر باعث می شود که همین رویه در کلیسای جدید و رهبران جدید بوجود آید. مبشر با نشان دادن رمز موفقیتش که دعا باشد در حقیقت این منبع قدرت را در اختیار کلیسا قرار می دهد و وجود این منبع برای انتقال بینش گسترش کلیسا نقش مهمی را دارد.

۲. بذر افشانی وافر

دیدیم که هر منطقه‌ای که فقدان مبشری حس می شد، دقیقاً همانجا حرکت گسترش کلیسا بین مردم شکل گرفت که همانا نشانی از قدرت الهی است. برای گسترش کلیسا باید بذر فراوانی پاشیده شود. کشاورزان می گویند: «بذر فراوان باعث ازدیاد محصول می شود». در حرکت گسترش کلیسا صدها و گاهی هزاران نفر پیغام عیسی را می شنود. لازمه فراوانی محصول در فراوانی کاشت است. گاهی کار بذرافشانی توسط رسانه های ارتباط جمعی صورت می گیرد، اغلب این بذرافشانی با

شهادت نامه های دیگران که مدرک زنده قدرت انجیل می باشد، همراه است. عکس این مطلب هم صدق می کند که هرگاه دولتی یا جامعه ای مانع بشارت کلیسا می شود، کلام کاشته نمی شود و به طبع کلیسا در آنجا محو می شود.

۳. برنامه ریزی در توسعه کلیسا

در هر يك از حرکتهای توسعه کلیسا قبل از هر کاری تمام مراحل را مورد بررسی و سنجش دقیق قرار می گیرد. نمونه های وجود دارد که تمام عوامل پیشرفت کلیسا در منطقه موجود بود، اما مسئولین فعالیتهای بشارتی فاقد مهارت لازم و یا بینش گسترش کلیسا بودند. در هر حال وقتی این عنصر به دیگر عناصر اضافه می شود نتیجه آن چشم گیر است.

کلیسا بخودی خود تشکیل نمی شود. در سراسر دنیا ما شاهد ایمان آوردن صدها هزار نفر به عیسی مسیح بودیم، که هر کدام از آنها از طریقهای مختلف پیرو مسیح شده اند، اما هیچ کدام از آنها باعث تشکیل و یا گسترش کلیسا نشده اند. در چنین موقعیتهای با برنامه های از قبل طراحی شده می توان چنین بیداری روحانی را به گسترش کلیسا تبدیل کرد.

۴. اقتدار کلام

کلام خدا در بین عوام حتی بیسواد مآخدی هدایت اصول اعتقادی، نحوه اداره کلیسا و زندگی روحانی شخصی است. مادامیکه حرکت گسترش کلیسا بین آن عده که کتاب مقدس بزبان مادریشان وجود ندارد، ظاهر می شود، اکثراً قسمتهای کلام خدا دهان به دهان گشته و آن را حفظ می کنند. در هر نمونه شاهد بودیم که در بین مؤمنین کلام خدا معیاری برای خدمات کلیساست و اقتدارش غیر قابل انکار است.

۵. رهبران محلی

افرادی که در حرکت گسترش کلیسا فعالیت دارند اغلب از انضباط شخصی سخن می رانند، آنها تأکید می کنند که برای مبشرین ضروریست که نقش مشاور روحانی و فکری را داشته باشند تا در فعالیت کلیسا مستقیماً نقش داشته باشند. به مجرد اینکه مبشر به عنوان شبان و یا رهبر کلیسا خدمت کند، عقب نشینی کاری

بسیار سخت و دشوار است. این بدین معنی نیست که این عده از مبشرین در گسترش کلیسا نقشی ندارند برعکس، خادمین محلی بهترین آموزش خدمت را با الگو ساختن روش خدمت مبشرین کسب می کنند. اولین قدم در ترویج گسترش کلیسا، همانا خدمت دوشا دوش با ایمانداران محلی است.

۶. رهبران معمولی

حرکتهای گسترش کلیسا همیشه با رهبران معمولی هدایت می شود. این افراد همگی از قشر معمولی کلیسا می باشند که برای امرار معاش خود به حرفه ای مشغول هستند و هیچ دوره الهیاتی را فرا نگرفته اند. به زبان دیگر اگر گروهی از ایمانداران بی سواد هستند، بی سواد یکی از مشخصه های رهبران آن کلیساست و یا اگر اکثر افراد کلیسا ماهیگیر هستند، به طبع رهبران انتخاب شده از همان قشر ماهیگیر خواهند بود. همچنانکه کلیسا وسعت پیدا می کند در آینده مردان روحانی برای خدمت ظاهر می شوند. در هر صورت آغاز هر کلیسای جدید با رهبران معمولی خواهد بود.

وقتی برای گسترش کلیسا به چنین رهبرانی اتکا کنیم، به طبع منبع غنی از آنها در هر کلیسای یافت می شود و می توان آنها را در کلیساهای جدید به خدمت گماشت و کلیسا را گسترش داد. اگر بخواهیم به ایمانداران دوره دیده متکی باشیم با کمبود شدید این عده مواجه خواهیم شد.

۷. کلیساهای خانگی و کلیساهای سلولی

در حرکتهای گسترش کلیسا شاهد بنای کلیساها خواهیم بود. با این وجود، اکثر غریب به اتفاق هر کلیسا از جمع کوچک ۱۰ الی ۳۰ نفر تشکیل می شود که جلسات عبادتی خود را در منازل و یا در محل کسب تشکیل می دهند.

بین کلیساهای خانگی و کلیساهای سلولی فرقی وجود دارد. کلیساهای سلولی بهم مرتبط هستند و اغلب این کلیساهای کوچک همگی با یک هویتی مشخص معرفی می شوند. کلیسای «فول گاسپل سنتر سنول» در کشور کره جنوبی یکی از بزرگترین نوع این کلیساها می باشد که مرکب از پنجاه هزار کلیسای کوچک است.

شاید در ظاهر کلیساهای خانگی مانند کلیسای سلولی باشد، اما این نوع کلیساها زیر نظر یک شخص و یا یک قدرت نمی باشد. کلیساهای خانگی شاید فاقد

اتحاد کلیساهای سلولی باشد، اما کلیساهای فعالی می باشند. هر کدام از این نوع کلیساها مزیت خود را داراست. یکی از ویژگی های کلیساهای سلولی سهولت در تعلیم و تربیت ایمانداران و شکل گیری کلیسا می باشد. به همین ترتیب کلیساهای خانگی دارای آسیب پذیری کمتری هستند، که می توان از این دو ویژگی بعنوان مشخصه های این دو کلیساها نامبرد. در حرکت گسترش کلیسا هر دوی این کلیساها ظاهر می شود و گاهی اتفاق می افتد که در یک منطقه هر دو نوع در کنار هم شکل می گیرند.

۸. تشکیل کلیساهای بارور

در اکثر حرکت های گسترش کلیسا، کلیساهای اولیه توسط مبشر یا شاگردانش ایجاد می شود. در هر حال در مقطعی از زمان این حرکت وارد فاز جدیدی می شود که کلیساها خودشان کلیسای جدیدی را برپا می کنند. برای بوقوع پیوستن این هدف لازم است که ایمانداران هر کلیسا باور کنند که کمک برای برپایی کلیسای جدید دیگر امری طبیعی است و احتیاجی به نیروی خارجی ندارند. برای پیشرفت کلیسا مانعی وجود ندارد که ایمانداران را از صید جانها و تشکیل کلیسای جدید باز دارد.

۹. شتاب در تشکیل کلیساهای جدید

عده ای شتاب تشکیل کلیسا را ضروری نمی دانند، در عین حال کسی منکر وجود این نکته هم نشده است. بسیاری از مسئولین امر ضرورت این کار را عاملی حیاتی برای بقای حرکت گسترش کلیسا می دانند. در گزارشها می خوانیم که هر گاه آمار رشد تعداد کلیساها رو به کاهش می رود، حرکت متوقف می شود. شتاب بنای کلیساهای جدید بیان کننده مبرم بودن و اهمیت بازگشت مسیح است. هنگامی که شتاب در گسترش کلیسا ظاهر می شود، این نوید را به ما می دهد که هیچ عاملی نمی تواند کار پیشرفت کلیسا را مختل کند و ایمانداران همه با قدرتی که از خداوند عیسی مسیح کسب کرده اند مشغول انجام کار خدا هستند.

۱۰. کلیسای تندرست

در چند سال اخیر متخصصین امور بشارتی درباره مشخصات کلیسا مقالات

زیادی نوشته اند. همه آنها برای وجود کلیسای تندرست در این پنج مورد هم‌منظر هستند: ۱) پرستش، ۲) بشارت و فعالیتهای بشارتی، ۳) شاگرد سازی و تعلیم، ۴) خدمت، ۵) مشارکت. در هر نمونه از حرکتهای گسترش کلیسا که مورد بررسی قرار دادیم، این پنج عامل مشهود بود.

تعداد بیشماری از بانیان کلیسا بیان می کنند که اگر این پنج عامل در هر کلیسایی قوی باشد، کلیسا بجز رشد و رونق کار دیگری نمی کند. درباره هر کدام از عوامل بالا می توان ساعتها صحبت کرد، اما از دید مبشرین، بشارت و فعالیتهای بشارتی قابل توجه تر است.

فصل ۴

ده عامل مشترک

در ورای ده عنصر جهانی حرکت‌های گسترش کلیسا ده عامل دیگر وجود دارد که جهانی نیستند اما به کرات مشاهده شده اند. این عاملها هیچ ترتیب خاصی و یا تقدمی ندارد. در هر حال در بسیاری موارد ما شاهد وجود اکثر آنها بودیم.

۱. پرستش بزبان مادری

در چند مورد دریافتیم وقتی کلام خدا به زبان مادری (زبان محلی) در دسترس نیست، عبادت و پرستش به زبان رسمی صورت می گیرد. این دسته از ایمانداران که نادر هستند در دعا و سرود از زبان محلی استفاده می کنند. عبادت و پرستش به زبان مادری باعث جلب توجه و شرکت غیر ایمانداران در جلسات کلیسایی می شود. آن دسته از مبشرینی که زبان مادری قومی را فرا می گیرند، موقعیت بهتری برای پخش خبر خوش و برانگیختن حرکت گسترش کلیسا در منطقه خدمتشان را دارا هستند. با استفاده از زبان محلی میتوان پرده بیگانگی را برداشت و با مردم یکرنگ شد.

۲. بشارت خانواده ای

بجز غرب که تأکید بر فردگرایی دارد، در دیگر مناطق دنیا خانواده و ارتباط افراد خانواده به یکدیگر نقش بسزایی دارد. مبشرین متوجه شده اند که برای بهتر بشارت دادن و دعوت ایمانداران جدید به کلیسا، لازم نیست شخص بعد از ایمان آوردن از جمع خانواده و جامعه خود بیرون آید (اعمال ۱۶: ۳۱-۳۲). در بعضی موارد چند خانواده بعد از ایمان آوردن تشکیل کلیسایی را داده و بزرگ خانواده نقش

رهبری جمع را به عهده گرفته است.

۳. تعجیل در شرکت دادن نو ایمانان در خدمات کلیسا

تعمید در اکثر حرکت‌های گسترش کلیسا با دروس شاگرد سازی دراز مدت به تعویق نمی افتد. حتی زمانی که تعمید نو ایمانان به درازا می انجامد، از ایشان خواسته می شود تا شاهدان فعال مسیح باشند، بدین ترتیب این نو ایمانان همچون معلم برای علاقه مندان عمل کرده و گاهی باعث تشکیل کلیسای جدیدی می شوند. مرد میانسالی که در هنگام گسترش کلیسای هند به مسیح ایمان آورد، در طول يك سال توانست ۴۲ کلیسا برپا کند. برای ادامه بقاء حرکت گسترش کلیسا لازم است که خادمین و مبشرین نو ایمانان را تشویق کنند تا در تشکیل کلیساهای جدید همکاری کرده، نه اینکه فقط با آوردن ایمانداران جدید جمعیت کلیسا را افزایش دهند.

۴. شوق و دلیری

یکی از خصوصیات این حرکتها، شور و حرارت برای بشارت و حس فوریت که خود گواه برلازمه نجات انسانها است، می باشد. همیشه نو ایمانان شجاعتشان را در هنگام برخورد با مخالفین به نمایش می گذارند. روح ترس و اضطراب حرکت کلیسا را متوقف می سازد. شاید جرأت و شجاعت باعث صدمه به کلیسا شود، ولی نیروی محرکه حرکت گسترش کلیسا همین جرأت و شجاعت است. (یوشع ۱: ۶)

۵. برای مسیحی شدن باید قیمتی پرداخت

گاهی حرکت گسترش کلیسا در مواقعی آشکار می شود که گفتگو درباره عیسی مسیح عادی و یا سودمند نیست. گاهی این گفتگوها باعث مصائب و یا حتی به مخاطره افتادن زندگی شخص شود. ایمانداران در هنگام وقوع چنین جفاهایی قویتر می شوند و بشارت انجیل مسیح را با جرأت بیشتری بیان می کنند (متی ۱۰: ۱۷-۲۵). فشارها باعث جدا شدن افراد غیر متعهد و اطمینان به افراد مصمم می گردد.

۶. بحران های اقتصادی و سیاسی

کشور و یا قومی که سران مملکت خود را از دست داده اند، مردمی که جنگی را پشت سر گذاشته اند و یا خسارات طبیعی چون زلزله و یا سیل را چشیده اند،

زمینه ای آماده برای گسترش کلیسا دارند.

۷. تعلیم رهبران در حین انجام وظیفه

با افزایش سریع تعداد کلیساها، تعلیم رهبران امری حیاتی در روند پیشرفت کلیساها است. اگر قرار باشد که رهبران کلیساهای جدید برای تحصیل دوره الهیات کلیسا را برای مدتی ترک کنند، حرکت از پا می ایستد. بهترین راه برای آموزش همانا بکارگیری آموخته ها در اسرع وقت است. ثابت شده که اقدام دوره الهیات با کار خدمت، مکملی قوی برای حرکت گسترش کلیسا می باشد.

اجرای چنین دوره هایی در هر شهر و کشور فرق دارد، اما بطور کلی این دوره های الهیاتی از دوره های کوتاه مدت تشکیل شده و لطمه ای به خدمت مبشرین، رهبران، شبانان کلیساها وارد نمی کند. خادمین اهمیت این نوع آموزش را برای گسترش کلیسا تأکید می کنند.

۸. موفقیت با هیئت رهبری

کلیساهای که نظام آنان تنها بر روی یک شخص و یا بصورت سلسه مراتب می باشد، برای ایجاد حرکت گسترش کلیسا غیر مناسب هستند. برای رهبران هر کلیسای خانگی یا سلولی مهم است که خودشان برای بشارت، خدمت و برپایی کلیسای جدید تصمیم بگیرند تا اینکه برای کسب اجازه سلسله مراتب را پشت سر بگذارند.

کلیساهای که نظام آنان تنها بر روی یک
شخص و یا بصورت سلسه مراتب می باشد،
برای ایجاد حرکت گسترش کلیسا غیر مناسب
هستند.

۹. مبشر غیر بومی پشت صحنه

لازم است خادمینی که در مملکت دیگر بین افراد بومی خدمت می کنند، برای بومی ماندن کلیسا پشت صحنه فعالیت کنند. هدف اصلی از اینکار بیگانه نبودن و تشویق افراد محلی به کار خدمت است. بجای اینکه منتظر باشید تا نو ایمانان ثابت کنند که لیاقت خدمت را دارند، مبشرین نو ایمانان را به صحنه خدمت آورده و با بنمایش گذاشتن نحوه روش مطالعه کتابمقدس در عمل آنان را تعلیم می دهد.

۱۰. زحمت و سختی برای مبشرین

لیست مبشرین ظلم دیده و زحمت دیده همانند «کاتالوک بلا» است. تعداد بیشماری از آنان گرفتار بیماری، تمسخر و شرم شده اند. علت وقوع بعضی از این سختیها، شخصیت و رفتارهای شخص مبشر می باشد که باعث تحریک طرف مقابل شده است. یکی از مبشرینی که بین دانشجویان فعالیت می کند بیان کرد که شاید علت سختی به مسئله ارواح تاریکی در حال عقب نشینی ارتباط دارد (مکاشفه ۱۲:۱۲). جفا به هر علتی که باشد با کاری که در حرکت توسعه کلیسا صورت می گیرد، غیر قابل مقایسه است. به مبشرینی که به چنین خدمتهای اعزام می شوند، توصیه می شود که همیشه هوشیار و آماده نبرد روحانی و در عین حال همیشه در حال دعا باشند.

فصل ۵

ده تجربه مفید

حرکت گسترش کلیسا یکی از عالیترین امورات خداست و بخاطر الطاف الاهییش او ما را انتخاب کرده که در این کار بی نظیر، همراه او باشیم. مبشرین با بکار گیری چند مورد می توانند، حرکت گسترش کلیسا را فعال و تغذیه کنند. این مواردی که عنوان می کنیم هیچ ترتیب خاصی ندارد. بعضی از این موارد می تواند مهمتر از دیگری باشد. هر يك از این موارد در شکل گیری حرکت‌های گسترش کلیسا در سراسر جهان بکار گرفته شده اند. اینکه کدام يك از این موارد مناسب محل خدمت شماست، بستگی به شما دارد که بنابه موقعیتتان آنها را انتخاب کرده و با تغییراتی که در آن می دهید بهترین نتیجه را ببینید.

۱. از همان ابتدا در راه اندازی گسترش تلاش کن

کلید اصلی حرکت گسترش کلیسا همین است که این حرکت از همان روز اول کار آغاز می شود. ضروریست که تصویر پایان کار را از همان ابتدا مجسم کرد. بنابراین مبشرین می بایست الگوی برای نوع کلیسا، نحوه بشارت، شاگرد سازی و تعلیم دروس الهیات در کلیساها را در نظر داشته باشد. بدین ترتیب نحوه بشارت، شاگرد سازی و تشکیل کلیسا و غیره مشخص می شود.

۲. ابزارکار و تدبیری جامع

مبشرینی که به درك تمام جوانب ایجاد حرکت گسترش کلیسا نائل آیند، بسرعت متوجه می شوند که این عمل کاری ویرای توانایی، وقت و آگاهیشان می باشد. در هر صورت با در نظر گرفتن فرمان عظیم عیسی و تکرار این سؤال «چه چیزی برای

وسعت بخشیدن کلیسا در اینجا لازم است؟» متوجه خواهیم شد که برای انجام این مأموریت تدبیری جامع و گستره لازم است.

تدبیر جامع بر پایه این چهار اصل بنا شود: (۱) دعا، (۲) کلام، (۳) بشارت و (۴) گسترش کلیسا. این چهار اصل با کمکهای خیریه و نحوه ارتباط با مردم و غیره کامل می شود. آمیخته این تدبیر باعث رها سازی مبشر از محدودیتهای شخصی می شود و مبشر قادر به فعال و تغذیه کردن حرکت گسترش کلیسا خواهند بود.

مسئول بشارت موفق همه جوانب کار را در راه رسیدن به هدف بررسی و ارزشیابی می کند، رد و یا قبول هر چیز بستگی به رسیدن هدف دارد.

۳. ارزشیابی تمام عوامل رسیدن به هدف

مبشری عنوان کرد که براحتی می توان مبشر بد و خوب را از هم تشخیص داد، کفایت فقط توجه کنیم که شخص به چه چیزهای جواب « نه » می گوید. منظورمان این نیست که این مطلب در تمام موارد صحت دارد. مسئول بشارت موفق همه جوانب کار را در راه رسیدن به هدف (که همان برپایی کلیساست) بررسی و ارزشیابی می کند، رد و یا قبول هر چیز بستگی به رسیدن هدف دارد.

۴. ظرافت در بذر افشانی

بسیاری از مبشرین این تجربه را کسب کرده اند که بجای بذر افشانی نامرتب و انتظار برای برداشت محصول می توان آنرا با دقت و ظرافت خاص انجام داد. در این روش، می توان ابتدا افرادی که در مناطق مختلف به مسیح ایمان آورده اند را شناسایی و از بین آنها تعدادی را برگزید، سپس آنها را توسط معلمین، شاگرد سازی کرد و سپس آنان را برای تشکیل هسته کلیسای جدید بکار گرفت. وقتی مبشری برای انجام مأموریش به مکانی غریب و نا آشنا می رود ممکن است در فراگیری زبان محلی، بشارت، شاگرد سازی و برپایی کلیسای موفق شود، اما با

انجام الگویی که ذکر شد می تواند نتیجه بهتری را کسب کند. با همکاری ایستگاههای رادیویی و دیگر رسانه های ارتباط جمعی بشارتی، می توان بتدریج افراد مسیحی شده توسط این رسانه ها را بعد از تعلیم بسوی خدمت فرا خواند. وقتی مبشر در میان این افراد نوایمان نقش معلم را ایفا می کند، قادر خواهد بود که براحتی کلیسا را گسترش دهد. با این روش می توان کار چندین ساله را در مدت کوتاهی انجام داد.

۵ آماده سازی نوایمانان برای تحمل سختی ها

نوایمانان باید این مطلب را درک کنند که پیرو مسیح شدن یعنی صلیب خود را برداشتن. ایماندار باید آماده پذیرا شدن هر گونه سختی و حتی به مخاطره افتادن جان خود باشد. از همان ابتدای مسیحیت همیشه سختی و جفا همراه پیروان مسیح بوده است. این آماده سازی نباید بعد از ایمان شخص صورت بگیرد، ضروریست که از همان ابتدای بشارت دادن به این نکته اشاره شود. میبایستی نوایمان تعلیم ببیند که جفا و سختی قیمت مسیحی شدن است. (مرقس ۸:۲۴)

۶ گردهم جمع شدن، نجات یافتن

راه منطقی برای تشکیل کلیسا این است که اول مردم را بشارت داد و جانها را صید کرده، بعد آنان را شاگرد مسیح کرد و سپس دور هم جمع شده و کلیسا را تشکیل دهند. اما این روش تنها راه تشکیل کلیسا نیست. بسیاری از خادمینی که در هسته گذاری کلیسا خدمات شایانی داشته اند روش دیگری را نیز بکار گرفته اند. در این روش آنها گروه های حقجویان و تشنگان را به جلسات بشارتی و تعلیم کتابمقدس دعوت می کنند. با دعوت این تشنگان و حقجویان به چنین جلساتی، آنها وارد حرکت گسترش کلیسا شده و بسوی ملحق شدن به خانواده خدا هدایت می شوند.

۷. روش قوم یانی را امتحان کن

روش بشارتی که در کشور چین بکار گرفته شد شامل عاملهای اصلی است که تقریباً در هر کجا می توان آنرا کار گرفت. تبادل نظر در جلسات کتابمقدس. اطاعت از کلام خدا که تنها رمز موفقیت شخصی و کلیساست. هیئت رهبران که از لحاظ مالی وابسته به کلیسا نیستند و همه در یک سطح قرار دارند. کلیساهای خانگی

و یا سلولی.

۸. بکارگیری هیئت رهبران در کلیسا

با بکارگیری جمعی از ایمانداران به عنوان هیئت رهبران قادر خواهیم بود از مانعی به اسم کمبود رهبر در راستای رشد و توسعه کلیسا، دوری کنیم. آیا نحوه توسعه کلیسا را در کمبوج بیاد دارید که چگونه هیئت رهبران کلیساهای جدید از هفت نفر ایماندار تشکیل شده بودند؟ این روش در کار توسعه کلیسا چیزی عادی می باشد و حسن آن به ایجاد رهبریت نیرومند برای کلیساهای جدید است.

۹. تعلیم رهبران در حین خدمت

سعی کنید از اعزام رهبران برای دوره های الهیات دراز مدت که باعث متوقف شدن خدمتشان می شود، دوری کنید. دوره های آموزش الهیات آمیخته با خدمت بمراتب مؤثرتر است. برای نمونه می توان دوره آموزش را به یک ماه درس و دو ماه خدمت تقسیم بندی کرد، یا می توان آموزش را به هشت قسمت دو هفته ای تقسیم کرده و آنرا ظرف مدت چند سال به اتمام رساند. با این کار تعالیم فراگرفته شده تا آخر عمر در ذهن ایمانداران باقی خواهد ماند. فرستادن ایمانداران برای تحصیلات عالی الهیاتی به نفع کلیسا می باشد، اما باعث متوقف شدن حرکت گسترش کلیسا که در حال رشد است، می شود.

۱۰. نمونه، همکاری، نظارت، عزیمت

مبشر زبردست همیشه با خود در حال مبارزه است. در هر فردی این وسوسه وجود دارد که «خودم انجام دهم بهتر است تا از این تازه واردین بخواهم.» انتقال مسئولیت به دیگران برای عده ای سخت و غیرقابل هضم است، چرا که شخص از خدمت بمردم و شبانی لذت می برند.

اگر از همان ابتدای آغاز مبشر مسئولیتها را به دیگران بسپارد، در انتها هنگام عزیمت با مشکل «چه کسی مسئول کار خواهد بود» کمتر مواجه خواهد شد. با ارائه الگوی پرستش کلیسایی و اداره جلسات و سپس کمک به اعضا جهت اداره جلسات باعث انتقال مهارت مبشر به جمع جدید نو ایمان می شود. (دوم تیموتاوس ۲:۲۲)

کار تشکیل کلیسا زمانی تمام می شود که مبشر بانی کلیسا بتواند براحتی کنار رود. آن زمان است که پیشرفت کلیسا تضمین می شود.

فصل ۶

سؤال و جواب

سؤال و جوابهای آمده در این فصل در این گفتگو با مبشرین صورت گرفته است.

۱. ساختمان کلیسا و مدارس الهیات

وجود ساختمان کلیسا و مدارس الهیات به رشد کلیسا کمک می کند، اما در عین حال گاهی باعث توقف گسترش کلیسا می شود. زمانی که جمع ایمانداران نیاز به ساختمان برای عبادت و یا مدرسه و یا درمانگاه را حس می کنند، این نشانه بلوغ و رشد کلیساست. زمانی که این ساختمانها توسط مؤسسات و یا کلیساهای دیگر در اختیار جمع ایماندار غیر آماده قرار می گیرد، ساختمانها باعث می شود افکار و انرژی ایمانداران روی نگهداری و تعمیرات ساختمان متمرکز شود و از هدف و خدمت اصلی کلیسا انحراف پیدا کنند.

وجود ساختمان کلیسا و مدارس الهیات به

رشد کلیسا کمک می کند، اما در عین حال

گاهی باعث توقف گسترش کلیسا می شود.

وقتی به ایمانداران اولیه مسیحیت نگاه می کنیم، متوجه می شویم که در ابتدا آنها محل پرستشی بجز خانه هایشان نداشتند، بعد از گذشت سالها نیاز به داشتن محلی برای پرستش را حس کرده و دست به تهیه و ساخت محلهای عبادت زدند.

هر گاه در مدت زمان کوتاه ساختمانی را در اختیار جمع نوایمان قرار می دهیم، ساختمان باری بر دوش آنها می شود.

۲. کار گروهی

بشارت بصورت گروهی همانند مطالب دیگر که راجع به آنها صحبت کردیم به نوبه خود متوقف کننده گسترش کلیسا نیست. اگر اعضای گروه هر کدام متوجه شوند که پرورش و رونق کلیسا هدف گروه است، موفقیت آنها دور از دسترس نیست. اما اگر قرار باشد هر عضو برای کسب کامیابیهای شخصی خود کار کند، بطبع زحمات به شکست ختم می شود. زمانی که درون نگری فردی در اعضای گروه می میرد و رهبریت عیسی مسیح جایگزین خودنمایی و کامیابیهای شخصی می شود، موفقیت گروه در گسترش و رونق کلیسا دور نخواهد بود.

۳. آیا حرکت گسترش کلیسا باعث بوجود آمدن اندیشه های نادرست نمی شود؟

منتقدین عنوان می کنند که حرکت گسترش کلیسا باعث ترویج عقاید نادرست می شود. شاید این مطلب صحت داشته باشد، اما قطعی نیست. شاید علاج کار هنگام با برخورد با چنین افکار نادرست، برگزاری چند جلسه دروس اعتقادی باشد. در هر صورت تاریخ نشان می دهد که گاهی درمان سخت تر از خود بیماریست. اولین مدرسه الهیات در اسکندریه واقع در مصر نشان داد که می توان افکار نادرست و کفر در مورد ایمان مسیحی را رفع کرد، در نتیجه چنین روشی برای جهان امروز ما عملی خواهد بود.

کلید تمام اصول اعتقاد مسیحی همانا «کلام خدا» ست. با نگاهی به مسیحیت قرن اول متوجه می شویم که آنها فاقد هر گونه مدرسه و آموزشگاه الهیاتی بودند و تعالیم آنها فقط بصورت: «ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده ام حفظ کنند.» متی ۲۸: ۲۰. از این فرمان روشهای مختلف شاگرد سازی و تعلیم بیرون آمده است. چالشی که مسیحیان قرن اول با آن روبرو بودند، برای ما کمی تغییر کرده است، اما عملکرد ما نسبت به این چالشها می بایست همان عملکرد باشد تا بقای ادامه تعلیم دستورات مسیح را تضمین کند.

۴. با بچه ها چه کنیم؟

بسیاری از مبشرین و خادمین کلیساها نحوه کار کلیساهای خانگی و سلولی را زیر سؤال برده اند. سؤال مشترکی مطرح شده جایگاه خردسالان و نوجوانان در این نوع کلیساهاست. چرا که این نوع کلیساها مانند کلیساهای دیگر فاقد کانون شادی و دروس برنامه ریزی شده اند. راه حل این است که از ایمانداران بعنوان داوطلب و یا حتی از جوانان بزرگسال بعنوان معلم استفاده کنیم. گاهی کلیساهای خانگی وسوسه شده و تلاش خود را روی افزایش اعضاء متمرکز می کنند که در آینده بتوانند کلیسای خود را به چند کلیسا تبدیل کنند، اما اگر تمرکز کلیسا روی شاگرد سازی باشد این مشکل حل شدنی است.

موضوع بچه ها مشکلی است که در سراسر دنیا با آن مواجه هستند و هر کس نظر و راه حلی را ارائه می دهد. در عین حال موضوع بچه ها همانند گسترش کلیسا دارای چالشهای بسیاری است که نیاز به پشتکار، امتحان روشهای مختلف و اقتباس از کارهای دیگران است.

۷. آیا می توانیم از سر نو شروع کنیم؟

بعضی از خادمین بعد از مطالعه و بررسی عمیق در گسترش کلیسا دریافته اند که از مسیر حرکت خود خارج شده اند و در شك و تردید بسر می برند که آیا کار را دوباره از اول شروع کنند یا نه! جواب این سؤال خیلی ساده است. بله! امکان این کار وجود دارد. اما این نکته را باید در نظر داشت که در اوایل کار اصلاح اشتباهات امان پذیر است و می توان جهت حرکت را به وضعیت صحیح برگرداند. حرکت گسترش کلیسا فرمول و برنامه نیست که برای ایجاد آن مراحل را یکی بعد از دیگری انجام دهیم. در هر مقطعی می توان عوامل متوقف کنند را برداشت و عوامل موثر را تقویت کرد. این مطلب باید قوت قلبی برای آن عده که مایل به دیدن حرکت گسترش کلیسا هستند، باشد.

فصل ۷

موانع حرکت‌های گسترش کلیسا

حرکت گسترش کلیسا عمل دست خداوند است، اما باعث شگفتی است که تا چه اندازه آدمی می‌تواند در آن دخالت کند. خداوند در به انسانها اجازه می‌دهد که همکاران او روی زمین باشند. او در گسترش کلیسا به ما اجازه می‌دهد تا نقش مجری را داشته باشیم و یا به ما حکمت دید موانع پیشرفت کلیسا را می‌دهد. این بسته به خواست و اراده اوست. خادمینی که در گسترش کلیسا فعالیت داشته‌اند، قادر به شناسایی موانع انسان ساز شده‌اند. موانعی که گاهی باعث توقف و یا کندی کار کلیسا می‌شود. هر چند آدمی نمی‌تواند به قوت خود کلیسا را گسترش دهد، اما قادر است اقداماتی انجام دهد که لاقلاً موانع را رفع کرده تا گسترش کلیسا در نطفه خفه نشود. اگر اجازه دهید چند نمونه از این موانع آشکار را با شما در میان بگذاریم.

۱. نیازهای اضافی برای تشکیل کلیسا

زمانی که هیئتهای بشارتی و یا شورای کلیسا سعی می‌کنند تا برای جمعی از ایمانداران بی تجربه احتیاجات غیر ضروری از قبیل زمین، ساختمان کلیسا، آموزشگاه و حقوق برای خادمین فراهم کنند، در حقیقت موجب توقف گسترش کلیسا می‌شوند. گاهی مبشرین با نیت پسندیده افکار و روشهای اداره کلیسا را به جمع مؤمنینی که هنوز شکل کلیسا را بخود نگرفته تزریق می‌کنند و این اجازه را به جمع نمی‌دهند که خود راه حل‌ها را پیدا کنند. در هرصورت گاهی نیازمندیهای از قبیل ساختمان، حقوق برای روحانیون و غیره می‌تواند همچون باری بر دوش ایمانداران باشد و موجب توقف تولید کلیسای گردد.

۲. کنار گذاشتن آداب و رسوم

وقتی افراد برای ایمان آوردن، فرهنگ جدیدی را جایگزین فرهنگ بومی خود می‌کنند کلیسا از رشد اصلی باز می‌ماند. در سراسر دنیا ملاحظه می‌کنیم که فرهنگ و رسوم ایمانداران با آداب و رسوم محیط اطرافشان فرق دارد و چون پاره ای جدا از محیط اطرافشان رفتار می‌کنند. (توجه داشته باشید که ما راجع به الگوی رفتاری، نوع لباس و طرز آداب و معاشرت و غیره صحبت می‌کنیم و منظورمان شئون اخلاقی نیست. برای نمونه در جامعه ای که کسی کراوات نمی‌زند، مسیحیان بنا به تقلید از غرب کراوات می‌زند و به این ترتیب خود را جدا از جامعه می‌دانند. م) در بسیاری از نقاط دنیا گسترش کلیسا به مبارزه با آداب و رسوم مردم تبدیل شده است و بسیاری از مبشرین و مسیحیان بجای تسخیر کردن قلب انسانها، فرهنگ و آداب و رسوم مردم را عوض می‌کنند. اگر رفتار مبشرین طوری باشد که مردم برای مسیحی شدن فرهنگ آنها را بپذیرند، امکان نشر انجیل در بین آن مردم خیلی کم است.

۳. غلبه بر آثار بد عده ای از مسیحیان

متأسفانه پراکندگی خبر خوش در سراسر نقاط دنیا گاهی باعث بوجود آمدن کلیساهای شده که نمونه های خوبی برای کلیسای مسیح نیستند. بشارت انجیل در چنین مکانهای که کلیسا مژده نجات را به مردم نرسانده و بجایش در گیر رفتار غیر اخلاقی شده است، کاری دشوار است. مردم غیر مسیحی که شاهد چنین رفتاری از مسیحیان بوده اند، باور نمی‌کنند که مسیحیت، پاکی و قدوسیت را به ارمغان می‌آورد.

شاید بعضی از کردار مسیحیان غیر اخلاقی نباشد اما از ترقی کلیسا جلوگیری می‌کند. وقتی که مسیحیان کلیسای ضرورتی در اعلان مژده نجات نمی‌بینند، به طبع نو ایمانان چنین کلیساهایی همان رفتار را داشته و بشارت نخواهند داد و شاهدان مسیح نخواهند بود.

۴. الگوی کلیسای غیر فعال

در هر کجا که مبشرین هسته کلیسایی را بین مردم غیر فعال بنیان گذاری

کرده اند، کلیسا در آنجا پیشرفت نکرده است. هنگام برخورد مبشرین با چنین افرادی حس می کنند که اگر کار را خودشان انجام دهند راحت تر و سریع تر صورت می گیرد. هنگام مواجه شدن با مشکلات، ساده تر است که طبق روش خودشان عمل کنند تا اینکه راه حلی مطابق با آداب و رسوم مردم محل پیدا کنند. گاهی مسائل پیش پا افتاده ای مثل نوع صندلی های کلیسا و دستگاه آمپلی فایر و غیره هستند، اما در واقع این مسائل پیش پا افتاده حساس می باشند.

گسترش کلیساهای بومی هر قوم همیشه با آداب و رسوم همان قوم هماهنگی دارد. برای نمونه اگر خانه های اهالی روستا از چوب ساخته شده است در نتیجه ساختمان کلیسا نیز از جنس چوب خواهد بود. در مناطق شهرنشین کلیساهای خانگی و سلولی از ساختار «خانواده» سرمشق می گیرد تا «انجمن». بطبع کلیساها با ساختار انجمن نیازمند ساختمان با هزینه ای بالاست که فقط برای جلسات پرستشی مورد استفاده قرار می گیرد. افرادی که در خدمت گسترش دادن کلیسا هستند در هر قدم این سؤال را از خود می پرسند: «آیا این مردم قادرند خودشان به تنهایی این کار را انجام دهند؟» اگر جواب این سؤال منفی باشد در نتیجه آن عامل کنار گذاشته می شود.

۵. کمکهای مالی وابستگی می آورد

پول چیز بدی نیست. زمانی که حقیویان و نوایمانان قادر نیستند روی پای خود بایستند، پول نقش حیاتی دارد. در بسیاری از موارد کمکهای مالی دیگران باعث رونق کلیسا و آشنایی مردم با پیام عیسی مسیح شده است. اما مشکل زمانی شروع می شود که نوایمانان به کمکهای دیگران وابسته شده و باعث رکود کلیسا می شود. بهترین روش استفاده از کمکهای مالی می تواند برای مخارجی از قبیل بشارت به شهرهای که هنوز مژده انجیل به آنجا نرفته، ترجمه و چاپ انجیل، تولید و پخش برنامه های رادیویی، تکثیر فیلم عیسی، برنامه های تلویزیونی، توزیع نوارهای صوتی و غیره باشد. کمکهای مالی همچون خرید ساختمان، کمک مالی به شبانان حتی با نیت خوب گاهی باعث محدود شدن گسترش کلیسا می شود.

۶. انتظارات بیش از اندازه از رهبران

در عهد جدید خصوصیات رهبران بروشنی عنوان شده است. وقتی انتظار

مسئولین کلیسا (با نیتی پاک و مقدس) نسبت به انتخاب رهبران جدید فراتر از حد کتاب مقدس می رود، در حقیقت کار پیشرفت کلیسا به تأخیر می افتد. در انجیل نحوه انتخاب شاگردان توسط عیسی مسیح (متی ۴: ۱۸-۲۲) و همچنین انتخاب اسقف و شماسان توسط پولس رسول (اول تیموتائوس ۳) آمده است. نکته جالب اینجاست که داشتن قلبی تشنه خدمت و پیروی از عیسی مسیح با ارزشمندتر از هر نوع دورهای الهیاتی و غیره است.

۷. اندیشه، ترتیب و انجام

برای خادمان امری طبیعی است که به گسترش کلیسا به صورت فرمول ریاضی نگاه کنند. برای مثال وقتی مبشری به مکانی جدید می رود، اول زبان محلی و آداب و رسوم را فرا می گیرد، بعد با مردم آنجا رابطه دوستی برقرار می کند، سپس مژده نجات را به مردم می دهد، بعد شاگرد سازی و بعد از آن کلیسا را تشکیل می دهند و عده ای را بعنوان رهبر انتخاب کرده و آنان را تعلیم داده و بالاخره از آنجا به مکانی دیگر جهت برپایی کلیسای دیگری می رود. در هر صورت مبشرینی که توانسته اند در تشکیل کلیسا آن هم به شکل وسیع نقش موفقی داشته باشند روش دیگری را بکار می برند.

پافشاری این عده این است که از همان روز اول باید بشارت داد، حتی وقتی شخصی به مملکت دیگری می رود نیاز ندارد که زبان محلی را استادانه صحبت کند تا بتواند بشارت انجیل را به دیگران دهد، میبایستی از همان ابتدا مسیح را موعظه کرد، هنگام تعلیم بجای اینکه منتظر بمانیم تا مردم مسیحی شوند و بعد آنان را تعلیم دهیم، ضروریست که از همان ابتدا تعالیم مسیح را به آنها آموزش داد. زمانی که این عده به مسیح ایمان آوردند، در عین حال که در کلیساهای خانگی حضور بهم می رسانند، بینش برپایی کلیساهای جدید را نیز فرا می گیرند. این نکته مهم است که تمام عاملهای گرد هم آمدن مؤمنین را کنار هم قرار داد تا بدین وسیله پیشرفت کلیسا را گسترش داد.

۸. روش زندگی مارمورک و قورباغه

قورباغه همیشه در جایی آرام، راحت و بدون حرکت منتظر آمدن شکار می نشیند. این بی حرکتی قورباغه موجب چاقی او می شود. بعضی از کلیساهای چنین

روشی را برای صید جانها دنبال می کند، آنها در مکان خود آرام و آسوده نشسته و منتظرند تا مردم سراغ آنها بیایند. آنها انتظار دارند که مردم به جمع آنان آمده و تمام آداب و معاشرت آنها را پیروی کند. اما مارمورك برعکس قورباغه عمل می کند، او بدنبال شكار از هر پیچ و خمی عبور می کند و هر لحظه آماده عكس العمل است. بعضی از کلیساها روش مارمولك را پیش می گیرند. بجای انتظار آمدن مردم به کلیسا آنها به منزل غیر ایماندار برای تعلیم اندرزه‌های عیسی مسیح می روند. آنها حاضرند روش زندگی خود را عوض کنند تا بتوانند هم‌رنگ مردم شده تا انجیل مسیح را به آنان بشارت دهند. شاید گاهی هویت خود را نیز از دست می دهند تا بتوانند مردم را به خانواده خدا راهنمایی کنند.

۹. تدبیر در تجویز

بعد از تمام تعالیم داده شده در این کتاب، عجیب به نظر می رسد که خادمین را از الگوهای از قبل ساخته شده هشدار دهیم. در هر صورت کسانی که در حرکت گسترش کلیسا در حال خدمت هستند، باید شدیداً کنجکاو باشند تا محل و نحوه فعالیت روح خدا را کشف کنند. زمانی که شخص خادم بجای تشنگی در درك نحوه کار خدا در بین مردم با کوله باری از جوابها وارد خدمت می شود، در واقع خدمت خود را محدود می کند. «بهتر است چیزی ندانی» این نکته چندان تشویق کننده نیست، اما باعث اتکاء شما به خداوند و درك نقشه خدا برای گسترش کلیسایش می شود.

فصل ۸

چند فوت و فن برای تنظیم کار

در حالی که ما چندین نمونه از نحوه گسترش کلیسا در سطح جهان را بررسی کردیم، چندین فعالیت کلیسای دیگر وجود دارد که ما آنها را «به مو بنده» می خوانیم. بسیاری از این فعالیتهای بشارتی تمام صفات و خصوصیات پیشرفت و ترقی کلیسا را دارند، اما در عین حال دارای صفات دیگری نیز می باشند که باعث از بین رفتن همه چیز می شود.

یکی از این نمونه ها کلیسای ترکیه می باشد که در عرض پنج سال گذشته دهها هزار نفر به عیسی مسیح ایمان آورده اند. در حالی که در سال ۱۹۹۲ فقط تعداد ۵۰ نفر ایماندار بین جمعیت چندین میلیون نفری وجود داشت. در سال ۱۹۸۹ مبعثری برای مسئولیت بشارت گمارده شد که ایشان با گرد هم آوردن گروه های مبعشر و گروه های دعا، خدمت خود را آغاز کرد. در سالهای اولیه، کار به کندی پیش می رفت اما اواخر سال ۱۹۹۵ بود که همه چیز عوض شد و مردم به ندای مسیح پاسخ مثبت دادند. در پایان سال ۱۹۹۶ کلیساها خبر تعمید بیش از ۱۵،۰۰۰ نفر را دادند.

در حال حاضر درصد ایمان آوردن ترکها مثل گذشته تکان دهنده نیست، اما تعداد بین ۲۰،۰۰۰ الی ۳۰،۰۰۰ بزرگسال به جمع ایمانداران پیوسته اند. علت پایین آمدن رقم این است که رشد ایمان آوردن مردم آنچنان سریع بود که کلیساها مکانهای جدید پرستشی برای نو ایمانان فراهم نیاوردند. این کمبود باعث بوجود آمدن هزاران ایماندار بی کلیسا و بی سرپرست و بی دفاع شده است.

هنوز دیر نشده، خادمین و مسئولین کلیساهای ترکیه می توانند با برقراری کلیساهای خانگی و تعلیم ایمانداران برای رهبری کلیساهای خانگی مشکل را برطرف

سازند و نوایمانان بی کلیسا را به کلیسا بیاورند و حرکت گسترش کلیسای ترکیه را احیا کنند.

طایفه مسلمانی از افریقا نیز در چنین موقعیتی قرار گرفته است. پخش برنامه های رادیویی و فیلم عیسی موجب شد که حدود ۱۵،۰۰۰ نفر به عیسی ایمان آوردند. با وجود این خبر دلگرم کننده فقط ۳۰ کلیسا در این ناحیه وجود دارد. اگر بزودی الگوی کلیسایی به آنها داده نشود این نوایمانان از بین خواهند رفت. آنها نیازمند الگوی کلیسایی هستند که باعث ایجاد کلیساهای دیگر شود.

مشابه این نوع کلیساهای «به مو بنده» در بسیاری از نقاط دنیا وجود دارد، در حالی که امکان انجام کارهای بزرگتری وجود دارد عده از خادمینی میانه روی را اختیار می کنند، اما کارهای بزرگتر را انجام نمی دهند. این عده صادقانه دهها سال مردم را خدمت کرده و پایه های کلیسا را برقرار می کنند. مردم به صدای انجیل پاسخ می دهند، اما ورود تازه واردین به ملکوت خدا به کندی پیش می رود و رشد کلیسا یکنواخت است. لطفاً این موضوع را با حرکت گسترش کلیساها اشتباه نگیرد. امروزه روال رشد کلیساها نمی تواند حتی با رشد جمعیت دنیا مطابقت کند.

آیا در چنین موقعیت جهانی پیشرفت و گسترش کلیساها امکان پذیر است؟ خدا می داند! در عین حال مبشرین مجرب عنوان می کنند که با اندکی ظرافت در کار می توان نتیجه مطلوبی بدست آورد. در مواردی که زمان بذر افشانی تا ثمر رسانی به درازا می کشد، برای مثال می توان کار بذر افشانی تا تشکیل کلیسا را مجدداً تکرار کرد. چند پیشنهاد برای افزایش سرعت در کار را خدمتتان ارائه می دهیم:

اگر برای کاشتن کلام خدا در دل مردم، کتاب مقدس را خلاصه وار از ابتدا تا انتها بازگو می کنید، بخاطر داشته باشید که نحوه پایان داستان به تنهایی اصل نیست بلکه خود این روش اصل است. نحوه ارائه داستان را می توان همیشه اقتباس گرفته و آنرا بهسازی کرد. سعی کنید وقایع کتاب مقدس را بین پنج الی ده قسمت تهیه کنید. لازم است در این برنامه هم کلام در دل حقا کاشته و هم از شنونده دعوت به قبول حق انجام گردد. بدنبال این برنامه می توانید برنامه مشابه دیگری بمنظور شاگرد سازی تهیه کنید. زمان این برنامه شاگرد سازی می بایستی طولانی تر از برنامه بشارتی باشد.

شما می توانید زمان هر جلسه را بنا به نیاز و ظرفیت مخاطبین خود تغییر دهید. گاهی ارائه این برنامه از آفرینش تا روز دآوری مدت ۱۱۰ هفته طول خواهد

کشید. به این ترتیب زمان شکل‌گیری کلیسا ارتباط مستقیم با مدت زمان برنامه طراحی شده دارد.

در همین راستا تصویر کنید چه اتفاقی می‌افتد اگر برنامه بشارتی ۱۲ هفته‌ای را در عرض ۱۲ شب متوالی برگزار کنید. بخاطر داشته باشید که «زمان» و «از سر نو» از مشخصه‌های مهم حرکت گسترش کلیسا می‌باشد. گاهی لازم است با گفته «سرعت کیفیت کار را از بین می‌برد» مقاومت کرد. بین سرعت در انجام کار و سرسری کار کردن، زمین تا آسان فرق است و این گفته چندان حقیقت ندارد که ملتی که آهسته در این راه قدم بر می‌دارد موفق‌ترند

شما حتی می‌توانید با افزایش بار مسئولیت نوایمانان در امر بشارت بر سرعت کار بیفزایید. در حرکت گسترش کلیسا، شاگرد سازی و تعلیم رهبری امری مداوم است. کلیسا دارای سطح و درجه نیست که لازم باشد هر فرد از سطحی به سطح دیگر ارتقا یابد تا بتواند در بشارت دادن کلام خدا شرکت داشته باشد. آیا نوایمان هندی را بخاطر دارید که چگونه ۴۲ کلیسا را در عرض یک سال برپا کرد. کسی به این برادر نگفت که صلاحیت و یا آمادگی این مسئولیت را دارد.

و بالاخره گاهی اتفاق می‌افتد که مبشر در ناحیه خدمتی خود هیچ‌یک از مشخصه‌های گسترش کلیسا را مشاهده نمی‌کند، آن زمان چکار باید کرد؟ برای مشاهد عوامل و موانع در امر پیشرفت کلیسا زمان درازی لازم است. در نظر بگیرد که وقتی در داخل قایق کوچکی سنگی قرار دهید هیچ اتفاقی نمی‌افتد، اما با ادامه این کار بتدریج وزن سنگها افزایش می‌یابد و ناگهان قایق در آب فرو می‌رود. همین عمل در کار کلیسا نیز صدق می‌کند. با پیاده کردن بی‌وقفه عوامل بریایی کلیسا و در عین حال شناسایی موانع و غیره شاید روزی ناگهان زمین به ظاهر بی‌حاصل و خشک به محیطی پر ثمر و فعال تبدیل شود.

فصل ۹

حرکت گسترش کلیسا برای جهان

حقیقتاً خداوند نشان داده است که در حال بیدار کردن انسانها می باشد، فعالیت او آنچنان چشم گیر است که اگر ما به چشمان خود آنرا نبینیم باورمان نخواهد شد (حقوق ۱: ۵). این کار عظیم خدا را حرکت گسترش کلیسا می نامیم. حرکت گسترش کلیسا با مرزهای جغرافیایی و طبقات نژادی محدود نمی شود. پروردگار هستی نشان داده که قادر است در قلب شخص شهری یا روستایی، با سواد و بی سواد در هر قاره ای از دنیا با هر مذهبی که داشته باشد، کار کند. در این ارتباط جهانی، خدا بشر را برای آشتی توسط عیسی مسیح بسوی خود می خواند. در حالی که روح خدا بین مردم جهان در حال فعالیت است، ما را برای همکاری با خودش فرا می خواند. اگر به او لبیک گوئیم، شاید از روی محبتش اجازه دهد پیشرفت کلیسا را مشاهده کنیم.

در عرض پنج سال گذشته در پنج منطقه مختلف دنیا ۲۵۰ هزار گمشده به عیسی مسیح ایمان آوردند. هیجان ما نباید از ارقام باشد، هر چند که رقمها نمایانگر تعداد افرادی هستند که زندگی تازه را در عیسی مسیح چشیده اند. هیجان ما باید این باشد که خدا عده ای از ما را بعنوان همکار در این راه برگزیده است، ما بعنوان ابزاری در دستان او این معجزه «نجات بشر» را در بین ملتها گستره می کنیم. دوندگان ماراتون همیشه رقابتشان را با شور و شوق فراوان آغاز می کنند، این احساسی است که تمامی دوندگان قبل از شروع مسابقه دارند (چه نفر اول و چه نفر آخر). در مسیر ماراتون بعضی از دوندگان با درد و خستگی به خط پایان می رسند. برای این دسته از قهرمانان چیزی دلشاد تر از دیدن پیچ آخر نیست. وقتی آنها از دور پیچ آخر را می بینند، تمام انرژی خود را منسجم کرده و با سرعت هر چه تمامتر

بسوی خط پایان به پیش می روند.

بدن عیسی مسیح (کلیسا) حدود ۲۰۰۰ سال است که خود را در این میدان بجلو می راند. در بین راه بسیاری خسته شده و عده ای از مسیر اصلی منحرف شده اند و عده ای دیگر بجای سریع دویدن در این میدان از رشد کُند کلیسا خرسند هستند.

کلیسایی عصر حاضر نشانه های پیچ نهایی مسیر خود را دیده است و در این میان خدا مردم را از روح خود پر می سازد (اعمال ۲: ۱۷). کسانی که حرکت‌های گسترش کلیسا را بعنوان نشانه های دخالت خدا در تاریخ می دانند، تلاش‌های خود در این راه افزایش می دهند.

به زبانی ساده تر، اگر این کار خداست ما می خواهیم در این کار شریک باشیم. مشاهده پیچ آخر ما را وادار می کند تا نیروی خود را منسجم کرده و هر چه نیرومندتر بدویم.

بنابراین چونکه ما نیز چنین ابر شاهدان را
گرداگرد خود داریم، هر بار گران و گناهی را
که سخت می پیچد، دور بکنیم و با صبر در
آن میدان که پیش روی ما مقرر شده است
بدویم. عبرانیان ۱۲: ۱

واژه نامه

Church Planter بانی کلیسا

شخصی مبشری که با بشارت های هدفدار کلیسا را بین مردم بنیان می نهد

ساختمان کلیسا

مکانی که جهت پرستش و عبادت مسیحیان اختصاص داده شده است.

کلیسا

اجتماع عده ای از اهالی که طبق دعوت مخصوصی برای کار معینی خوانده شده و در مکانی گرد هم می آیند (ماهیت و مأموریت کلیسا، دانلر.ج.میلر ص ۳)

Home Church کلیسای خانگی

جمعی از ایمانداران که تعدادشان بین ۱۰ الی ۳۰ نفر می باشد و در مکانهای چون منزل و محل کسب برای پرستش دور هم جمع می شوند. این کلیساها هیچ ارتباطی با هم ندارند و زیر نظارت کسی قرار ندارند.

Cell Church کلیسای سلولی

جمعی از ایمانداران که تعدادشان بین ۱۰ الی ۳۰ نفر می باشد و در مکانهای چون منزل و محل کسب برای پرستش دور هم جمع می شوند. این کلیساهای کوچک با هم در ارتباط هستند و اغلب این کلیساهای کوچک همگی با یک هویتی مشخص معرفی می شوند. کلیسای «فول گاسپل سنتر سنول» در کشور کره جنوبی یکی از بزرگترین نوع این کلیسا ها می باشد که مرکب از پنجاه هزار کلیسای کوچک است.

Missionary فعالیتهای بشارتی

Mission مبشر

Church Planting Movements
David Garrison

Translated by:
M. Sanavi



